

درس ختم بخاری شریف

به انضمام زندگی نامه امام بخاری رحمته

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:
«كَلِمَتَانِ حَبِيبَتَانِ إِلَى الرَّحْمَنِ، خَفِيفَتَانِ عَلَى اللِّسَانِ، ثَقِيلَتَانِ فِي الْمِيزَانِ،
سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ»

اثر:

مفتی محمد تقی عثمانی حفظہ اللہ

ترجمہ:

ابوعبدالفتاح عبداللہ ریگی

عنوان کتاب:	درس ختم بخاری شریف
اثر:	مفتی محمد تقی عثمانی حفظه الله
ترجمه:	ابو عبدالفتاح عبدالله ریگی
موضوع:	حدیث و سنت - متون احادیث - احادیث نبوی
نوبت انتشار:	اول (دیجیتال)
تاریخ انتشار:	آبان (عقرب) ۱۳۹۴ شمسی، ۱۴۳۶ هجری
منبع:	



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaiislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

فهرست مطالب.....	أ
پیشگفتار مترجم.....	۱
گزیده‌ای از زندگی شیخ الاسلام: قاضی محمد تقی عثمانی.....	۳
مختصری از زندگی امام‌المحدثین.....	۳
امام بخاری <small>رحمته</small>	۳
نام و نسب:.....	۳
شکل و شمائل ظاهری امام بخاری.....	۴
زمان تعلیم و قوت حافظه امام <small>رحمته</small> :.....	۴
زهد، تقوا و سیرت امام بخاری <small>رحمته</small> :.....	۶
اساتید و شیوخ امام بخاری <small>رحمته</small> :.....	۶
شاگردان امام بخاری <small>رحمته</small> :.....	۷
مناقب امام بخاری <small>رحمته</small> :.....	۸
سفرهای امام بخاری برای فراگیری علم حدیث:.....	۸
ابتلای امام <small>رحمته</small> :.....	۱۰
مذهب امام بخاری <small>رحمته</small> :.....	۱۳
سبب تألیف جامع صحیح:.....	۱۴

- ۱۵ نظر اهل علم در مورد امام بخاری رحمته:
 ۱۷ تألیفات و تصنیفات امام بخاری رحمته:
 ۱۸ تعداد مرویات کتاب الجامع الصحیح:

درس ختم صحیح بخاری سنه ۱۴۲۰ هجری (جامعه دارالعلوم

کراچی)..... ۳

۳ سند حدیث:

۳ سخنرانی توسط شیخ الاسلام مولانا

محمد تقی عثمانی مدظلهم..... ۳

۳ جدائی و فراق حضرت مولانا سبحان محمود رحمته:

۴ بزرگترین فاجعه دین:

۵ روش تدریس کتب حدیث:

۶ خواندن سند حدیث قبل از قرائت متن حدیث:

۶ سند حدیث از خصوصیات امت محمدیه است:

۷ تورات و انجیل قابل اعتماد نمی باشند:

۸ احادیث قابل اعتماد هستند:

۸ زندگی نامه روایان حدیث محفوظ است:

۹ زحمات علمای جرح و تعدیل:

۱۰ داستان یک محدث:

۱۱ فن أسماء الرجال:

۱۲ بدون ذکر سند حدیث غیر قابل قبول می باشد:

۱۲ مقام و حیثیت سند بعد از منتشر شدن کتب حدیث:

۱۳ روایان حدیث، مناره نور هستند:

- ۱۳ مَثَلی زیبا برای راویان حدیث:
- ۱۴ انسان در روز قیامت با چه کسانی همراه خواهد بود:
- ۱۵ مقام و منزلت صحیح بخاری
- ۱۵ اهتمام ویژه به نوشتن احادیث:
- ۱۶ ظرافت در تراجم ابواب:
- ۱۶ علت آوردن کتاب التوحید در آخر:
- ۱۸ علت ختم نمودن کتاب التوحید در این باب:
- ۱۸ سر آوردن کتاب التوحید در آخر:
- ۱۹ خداوند چه احتیاجی به گذاشتن ترازو دارد؟
- ۱۹ انصاف خداوندی:
- ۲۰ اعمال غیر مجسم چگونه وزن می شود؟
- ۲۱ خداوند بر وزن اعمال قدرت کافی دارد:
- ۲۱ عقل ما ناقص است:
- ۲۲ نعمت‌های جنت ماوراء عقلند:
- ۲۳ تصور نمودن وزن اعمال:
- ۲۳ هر کلامی که از زبان خارج می گردد وزن کرده می شود:
- ۲۴ اعمال شمرده نمی شوند:
- ۲۴ چگونه در اعمال خاصیت وزن کردن یافت می گردد:
- ۲۵ از ریاکاری وزن کم می شود:
- ۲۶ از اتباع سنت وزن زیاد می شود:
- ۲۶ صحیح بودن طریقه ضروریست:
- ۲۷ توضیح لفظ قسط:
- ۲۸ واقعه حجاج بن یوسف ثقفی:
- ۳۰ علت آوردن روایت احمد بن اشکاب در پایان:

-
-
- ۳۰ سه صفت در دو کلمه:
- ۳۲ معنای سبحان الله العظیم:
- ۳۳ خشیت چیست؟
- ۳۴ خواندن این کلمات در صبح و شام:

پیشگفتار مترجم

از آن جایی که همه‌ساله در بعضی از حوزه‌های علمیه اهل سنت، جشن ختم صحیح بخاری برگزار می‌شود و از دور و نزدیک مردم با اشتیاق کامل در این جشن شرکت می‌کنند، در این فکر افتادم که درس ختم بخاری را در رساله کوچکی که همه بتوانند از آن استفاده ببرند جمع‌آوری کنم.

لذا در سفر کوتاهی که به کراچی داشتم، شرفیابی ملاقات با شیخ الاسلام محمد تقی عثمانی حفظه الله حاصل شد. گرچه مولانا در همین وقت از سفر مبارک حج برمی‌گشتند و ملاقات ما خیلی محدود بود، اما اجازه گرفتم این رساله پُرفیض را ترجمه کنم.

قابل ذکر است که شیخ الاسلام مولانا محمد تقی عثمانی کتاب‌های زیادی را تألیف، ترجمه و تصنیف کرده اند، و شخصیتی شناخته شده اند.

از جمله این کتاب‌ها می‌توان به: تکلمة فتح الملهم اشاره کرد که بعد از تکمیل آن، علماء به ایشان لقب شیخ الاسلام دادند. همچنین شیخ عبدالفتاح ابوغدّه هنگامی که به استعداد خدادادی ایشان پی برد، این لقب را داد.

این رساله کوچک بحث کوتاهی را در باره آخرین حدیث بخاری دنبال می‌کند، لذا طوری ترجمه شده که ان شاء الله برای عموم مسلمین مثمر و واقع‌گردد. در پایان از همکاری تمام دوستان در امر تصحیح، حروف‌چینی و چاپ تشکر و قدردانی می‌کنم. و به ویژه از برادر گرامی آقای مفتی عبدالقادر عارفی که در مورد زندگی‌نامه علامه محمد تقی عثمانی با بنده همکاری نمودند، سپاسگذارم. امیدوارم که دوستان و عزیزان این بنده

عاصی را در دعا‌های خیر فراموش نکنند و اگر چنانچه در موردی با اشتباه مواجه شدند، بر بنده منت گذاشته، خبر دهند تا در چاپ‌های آینده تصحیح گردد.

وما توفیقي إلا بالله عليه توكلت وإليه أنيب.

ابوعبدالفتاح عبدالله ریگی

زاهدان ۱۳۸۰ شمسی

گزیده‌ای از زندگی شیخ الاسلام:

قاضی محمد تقی عثمانی

نام: محمد تقی بن علامه مفتی محمد شفیع بن مولانا محمد یاسین بن خلیفه تحسین علی. در پنجم شوال سال ۱۳۶۲ هجری مطابق با سوم اکتبر سال ۱۹۴۳ میلادی در قریه دیوبند ایالت اتار پرادیش هندوستان به دنیا آمدند و در ماه جمادی الثانی سال ۱۳۶۷ هـ.ق برابر با ۱۹۴۸ م حضرت مولانا محمد شفیع رحمته به پاکستان هجرت نمود و در کراچی مدرسه‌ای را بنیانگذاری نمودند.

علامه محمد تقی عثمانی در آن مدرسه از سن پنج سالگی مشغول فراگیری علوم دینی شده و در سال ۱۳۷۹ هجری از دروس حوزوی فارغ التحصیل شدند.

از آن سال به بعد به عنوان استاد دارالعلوم کراچی مشغول تدریس شده و بالآخره تدریس سنن ترمذی را بر عهده گرفتند و تا در گذشت استاد بزرگوارش علامه سبحان محمود رحمته به تدریس آن اشتغال داشتند.

در سال ۱۴۲۰ هجری پس از این که استاد صحیح بخاری دارالعلوم کراچی حضرت مولانا سبحان محمود زندگی را الوداع گفتند علامه محمد تقی عثمانی به عنوان استاد صحیح‌ترین کتاب حدیث، بعد از کتاب الله منتخب شدند.

علامه محمد تقی عثمانی مدرک لیسانس اقتصاد و سیاست را در سال ۱۹۶۴ و مدرک لیسانس حقوق را در سال ۱۹۶۷ م، از دانشگاه کراچی و

مدرک فوق لیسانس رشته ادبیات عرب را در سال ۱۹۷۰ م، از دانشگان پنجاب پاکستان - کسب کرد.

علامه محمد تقی عثمانی از اساتید بزرگ و برجسته‌ای کسب فیض نمودند از آن جمله افراد ذیل را می‌توان نام برد:

- ۱- علامه اکبر علی رحمته مترجم اظهارالحق متوفی ۱۳۹۷ هـ.
- ۲- مفتی اعظم مولانا مفتی ولی حسن رحمته متوفی ۱۴۱۵ هـ.
- ۳- مولانا مفتی رشید احمد حفظه الله.
- ۴- مولانا سلیم الله خان، رئیس حوزه علمیه فاروقیه کراچی.
- ۵- مولانا سبحان محمود رحمته شیخ الحدیث سابق دارالعلوم کراچی متوفی ۱۴۲۰ هـ.

۶- مولانا قاری رعایت الله رحمته متوفی ۱۴۲۰ هـ.

۷- علامه مفتی محمد شفیع عثمانی مفتی اعظم پاکستان و مؤلف تفسیر معارف القرآن.

علامه تقی عثمانی بر سه زبان معروف جهان عربی، اردو و انگلیسی تسلط کامل داشته و در هر سه زبان کتاب‌های مفیدی به رشته تحریر درآورده اند.

بیشتر فعالیت‌های علامه عثمانی در رشته‌های حدیث، فقه و اقتصاد بوده و در مسائل بانکداری از متخصصین برجسته و حقوق دانان بزرگ جهان اسلام به شمار می‌روند.

در تأسیس بانک‌ها، صندوق‌ها و مؤسسات بیشماری در جهان نقش بسزایی داشته اند و سعی کرده اند که آن‌ها را بر اساس اصول اسلامی بنیانگذاری و طراحی نمایند.

علامه عثمانی پست‌های متعددی را بر عهده داشته‌اند و بسیاری از آن‌ها را به علت کمبود وقت و مشاغل زیاد ترک کرده‌اند.

ایشان به اکثر کشورهای جهان مسافرت علمی داشته اند، قسمتی از سفرنامه آن بزرگوار در کتاب «جهان دیده» آمده است.

علامه عثمانی از چندین سال پیش عضویت دیوان عالی کشور پاکستان، به معاونت ریاست جامعه دارالعلوم کراچی، عضویت مجمع فقه اسلامی (جده) و بالأخره معاونت ریاست آن مجمع را بر عهده دارند.

علامه عثمانی در زمینه‌های متعدد دارای تألیفاتی بوده اند که از آن میان می‌توان به آثار زیر اشاره کرد:

۱- تکلمه فتح الملهم شرح عربی صحیح مسلم در ۶ جلد.

۲- درس ترمذی.

۳- بحوث فی قضایا فقهیة معاصرة.

۴- فقهی مقالات ۳ جلد.

۵- جهان دیده.

۶- أحكام الذبائح.

۷- أحكام الودائع المصرفية.

۸- اصلاحی خطبات ۱۰ جلد.

۹- اصلاحی مواعظ.

مختصری از زندگی امام المحدثین

امام بخاری رحمته الله

نام و نسب:

نام ایشان ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره بن بردزبه الجعفی البخاری بوده است^(۱). اجداد امام بخاری پیش از بردزبه به بعد مجوسی و ایرانی الاصل هستند، اما قبل از ابراهیم مشرف به اسلام شده اند. پدر امام رحمته الله از محدثین زمان خود به شمار می‌آمد و دارای تصانیفی است. علامه ابن حبان در کتاب «الثقات» ایشان را شاگرد حماد بن زید و امام مالک رحمته الله قرار داده و او را از ثقات شمرده اند و نیز با عبدالله بن مبارک رحمته الله ملاقات کرده اند. پدر امام رحمته الله در هنگام وفات وصیت کرد که تمام اموال متروکه حلال و در آن‌ها شائبه و شبهه هیچ نوع حرامی نیست. تمام آن‌ها به طور میراث به امام بخاری رسید و امام از همان اموال پاک تربیت شد.

امام بخاری در ۱۳ شوال سال ۱۹۴ - ه. ق، بعد از نماز جمعه در شهر بخارا چشم به جهان گشود و در سن ۶۲ سالگی در سال ۲۵۶ ه. ق ۳۰ رمضان مبارک در شب عید فطر در هنگام عشاء برای همیشه به ملاقات معبود حقیقی شتافت و بعد از نماز ظهر روز عید فطر در قریه خرتنگ حدود

(۱) - هدی الساری مقدمه فتح الباری صفحه ۴۷۸.

۶ مایلی سمرقند ایشان را به خاک سپردند. بعد از وفات امام بخاری تا مدت مدیدی از قبر امام بخاری بوی عطر استشمام می‌شد.

در شب وفات امام بخاری رحمته شیخ عبدالواحد طراولسی، پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله را در خواب دید که همراه جمعی از صحابه ایستاده اند و گویا منتظر شخصیتی هستند. این محدث می‌گوید: من سلام گفته عرض کردم: یا رسول الله صلی الله علیه و آله منتظر چه کسی هستید؟ فرمودند: انتظر محمد بن اسماعیل البخاری. بعد مشخص شد که امام بخاری در همان شب وفات کرده اند.

شکل و شمائل ظاهری امام بخاری

امام بخاری رحمته قامت متوسط و جسم لاغری داشتند. حافظ ابن حجر رحمته در کتاب «هدی الساری» مقدمه فتح الباری نوشته اند: امام بخاری در کودکی بر اثر بیماری بینایی خویش را از دست دادند. مادرشان برای بینایی ایشان به بارگاه خداوند متعال بسیار زاری و تضرع نمود. مادر امام رحمته بانوی عابده و زاهده‌ای بود، شبی ابراهیم خلیل الله صلی الله علیه و آله را در خواب دید. ایشان فرمود: خدا دعاهای تو را در حق فرزندت پذیرفته و بینایی او را مجدداً به وی بخشیده است. وقتی از خواب بیدار شد، چشمان امام بینا شده بود و بینایی امام آن قدر قوی بود که بسیاری از تصانیف خود را هنگام شب در پرتو نور ماه می‌نوشتند.

زمان تعلیم و قوت حافظه امام رحمته:

محمد بن حاتم ابوجعفر وراق یکی از شاگردان امام بخاری روزی از امام پرسید.

اوائل کار شما چگونه بود و چگونه به فراگیری علوم حدیث پرداختید؟

امام فرمود: در آغاز به من الهام شد که احادیث آن حضرت رضی الله عنه را حفظ کنم و من در مکتب بودم.

ابوجعفر در ادامه پرسید: در آن هنگام چقدر سن داشتید؟
امام در جواب گفتند: ده سال یا کمتر از ده سال داشتم که حفظ حدیث را آغاز کردم^(۱).

حافظ ابن حجر در هدی الساری نوشته: در سفری که امام رحمته به بغداد داشتند، محدثین آن دیار با هم مشورت کردند که امام را بیازمایند؛ زیرا امام در حفظ حدیث در تمام سرزمین‌های اسلامی مشهور شده بود، به خصوص در بغداد که مرکز علوم حدیث در آن روز به شمار می‌رفت.

بالآخره ده نفر از علماء را تعیین کردند که هر نفر ده حدیث را با تغییر متن احادیث و تغییر سند بیان کنند که مجموعاً (۱۰۰) حدیث می‌شوند تا ببینند امام چه واکنشی نشان می‌دهند. بعد از این که امام رحمته وارد بغداد شدند و علماء به ملاقات ایشان رفتند، در آن هنگام به امام گفتند: ما احادیثی را قرائت می‌کنیم شما توجه بفرمایید که صحیح هستند یا خیر؟ اولین فرد (۱۰) حدیث را قرائت نمود. هر حدیثی که قرائت می‌شد، امام رحمته می‌گفتند: (لا أعرفه لا أعرفه) بالآخره هر نفر (۱۰) حدیث را بیان کرد و امام بعد از قرائت هر حدیث لفظ «لا أعرفه» را تکرار می‌کردند که یعنی من این حدیث را نمی‌شناسم. بعد از این که قرائت احادیث تمام شد، امام خواندن و تصحیح احادیث را شروع نمودند و متن و سند را اصلاح کردند و حدیث را به همان ترتیب که علماء خوانده بودند، قرائت نموده و اصلاح کردند. محدثین بغداد در مقابل امام رحمته تسلیم شدند و

(۱) - هدی الساری، صفحه ۴۸۸ / ارشاد الساری، ۱ / ۳۱.

اذعان کردند که واقعاً آنچه که در رابطه با امام بخاری رحمته گفته شده، ناچیز است و امام بخاری بسی بالاتر از آن است. حافظ ابن حجر رحمته می‌فرماید: تعجب در این نیست که امام متن و سند ۱۰۰ حدیث را اصلاح فرمود، بلکه تعجب در این است که این احادیث را به همان ترتیب که آن ده نفر خوانده بودند، از اول تا آخر خوانده و اصلاح کردند و این شگفت‌انگیز و حیرت‌آور است.

زهد، تقوا و سیرت امام بخاری رحمته:

امام بخاری در ماه مبارک رمضان همه روزه یک مرتبه قرآن را ختم می‌فرمود و هر شب در نماز ۱۰ جزء از قرآن مجید را تلاوت می‌نمود. غیبت هیچ کسی را نمی‌کردند و می‌فرمود: امیدوارم که در باره غیبت، خداوند مرا محاسبه نکند. غذای خیلی ساده میل می‌فرمود، حتی گاهی در طول روز فقط با ۲ یا ۳ مغز بادام قناعت می‌کرد و به قول بعضی تا ۴۰ سال از شوربا استعمال نکردند، و بعضی می‌گویند: تا ۳۰ سال صائم‌الدهر بودند، یک بار بیمار شدند و ایشان را پیش طبیب بردند. طبیب گفت: معلوم می‌شود که نان خشک خورده‌اند. امام فرمود: بله، حدود چهل سال شوربا نخورده‌ام، هر ماه پانصد درهم درآمد داشت که آن را صرف فقراء و طلاب حدیث می‌کرد^(۱).

اساتید و شیوخ امام بخاری رحمته:

امام بخاری از مراکز بزرگی همانند: حجاز، شام، مصر و بغداد و از محضر شیوخ و فقهای بلندپایه‌ای علم آموختند و تعداد اساتید امام بخاری را ۱۰۸۰ نفر بیان کرده‌اند که از آن جمله می‌توان افراد زیر را نام برد:

(۱) -، صفحه ۴۸۰.

- ۱- اسحاق بن راهویه.
- ۲- علی بن مدینی.
- ۳- احمد بن حنبل.
- ۴- یحیی بن معین.
- ۵- عبدالله بن زبیر حمیدی.
- ۶- ابوعاصم.
- ۷- ابوعاصم شیبانی.
- ۸- عبدالله بن عیسی.

امام بخاری بعد از فراغت از علم به بخارا باز گشت. مردم بخارا حدود ۱۵ کیلومتر برای استقبال ایشان از شهر خارج شدند و اظهار سرور و خوش حالی می کردند و پول و سکه بر سر ایشان می ریختند.

شاگردان امام بخاری رحمته:

تعداد کثیری از بخاری رحمته علم آموختند. در طول زندگی امام بخاری، بیش از نود هزار نفر از بخاری رحمته بلاواسطه صحیح بخاری را شنیدند و آخرین راوی فربری است و از شاگردان مشهور ایشان می توان افراد زیر را نام برد:

- ۱- مسلم بن حجاج قشیری.
- ۲- ترمذی.
- ۳- ابن خزیمه.
- ۴- ابوزرعه.
- ۵- احمد بن سلمه.
- ۶- احمد بن سلمه نیشابوری.

مجموعاً صد هزار نفر از امام بخاری روایت کرده اند^(۱).

مناقب امام بخاری رحمته:

امام بخاری در حفظ و فهم معانی، تیزفهمی، کثرت فقاہت، دقت معانی، زهد و تقوی، علت و طرق احادیث، قوت حافظه، ملکه اجتهاد، استنباط مسایل و به طور کلی در تمام جوانب مربوط به حدیث بی نظیر بودند و می توان ایشان را به (به جرأت) امام محدثین نامید.

بعد از ایشان افرادی که کتاب تألیف نموده اند از امام متابعت کرده اند و به قول علامه قسطلانی در صغر سنی، هفتاد هزار حدیث بر سر زبان او بود و خودشان فرموده اند: من یکصد هزار حدیث صحیح و دوصد هزار حدیث غیر صحیح از حفظ داشتم و می فرمود: من کتاب صحیح بخاری را از میان ششصد هزار حدیث انتخاب کرده ام.

سفرهای امام بخاری برای فراگیری علم حدیث:

امام بخاری رحمته برای فراگرفتن علم حدیث، سفرهای متعددی را انجام دادند. اولین سفر امام رحمته به سوی مکه مکرمه بود، که همراه مادر و برادر خودشان «احمد بن اسماعیل» در سن شانزده سالگی به مکه مکرمه سفر کردند تا در مراسم حج شرکت کنند و پس از ادای مراسم حج، مادر و برادر امام رحمته به شهر و دیار خود برگشتند و خود امام رحمته در مکه مکرمه اقامت کردند. در این زمان محدثین مشهوری که در مکه مکرمه، خدمت علم حدیث بودند عبارت بودند از:

۱- ابو عبدالله عبدالله بن زبیر.

۲- عبدالله بن یزید.

^(۱) - مرقات، جلد اول، صفحه: ۱۷.

۳- ابوالولید احمد بن محمد ارزقی.

۴- حسان بن حسان بصری.

۵- خالد بن یحیی.

۶- ابوعبدالرحمن مقری.

امام رحمته از این محدثین حدیث را فرا گرفتند. بعد از مکه مکرمه به سوی مدینه حرکت کردند و از اساتید و محدثین شهر مدینه کسب فیض نمودند و در همین وقت اقدام به تألیف کتاب «فضائل الصحابة والتابعین» و «تاریخ کبیر» نمودند و برای تحریر این کتاب از پرتو و روشنایی نور ماه استفاده می کردند.

امام رحمته بعد از مدینه، راه بصره را در پیش گرفتند. خبر استعداد و صلاحیت و قوت حافظه و حفظ حدیث امام رحمته در دنیا مشهور شده بود. به هر حال، امام رحمته به بصره آمدند؛ همه بزرگان و محدثین جمع شدند تا ایشان را ملاقات کنند و از محضر مبارکشان مستفید گردند. امام با وجود این که خیلی جوان بودند، همه تعجب می کردند که با این جوانی چقدر خدا به ایشان توانایی و حافظه داده است.

ناگفته نماند که بصره شهری بود که بقایای علم صحابه و تابعین در آن جا قرار داشت و یکی از مراکز بزرگ علمی به شمار می رفت. امام رحمته چهار مرتبه به بصره سفر کرده اند.

امام رحمته بعد از بصره راه کوفه را در پیش گرفتند و وارد کوفه شدند و بارها به بصره و کوفه و بغداد سفر کردند تا از محضر اساتید کسب فیض

کنند. مشهور است که امام می فرمودند: «لا أحص کم دخلت إلى الكوفه وبعداد مع المحدثين»^(۱).

امام رحمته الله از کوفه به دارالسلطنه بغداد وارد شدند. بغداد مرکز حکومت خلفای عباسی و مهد علم بود، در این زمان شهر بغداد به شخصیت‌هایی همانند: امام احمد بن حنبل، شریح بن نعمان، محمد بن عیسی و محمد بن سابق به خودش می‌بالید؛ امام از این بزرگواران کسب فیض فرمودند.

صاحب «التقید» می‌نویسد: وقتی که امام می‌خواستند از بغداد بروند، برای خداحافظی خدمت استاد خودشان امام احمد بن حنبل رفتند، امام احمد بن حنبل رحمته الله خیلی ناراحت شدند و اظهار تأسف کردند که بخاری از ما جدا می‌شود و ما را ترک می‌کند.

امام بعد از سفر به سرزمین عراق به سرزمین شام که یکی دیگر از مراکز علم حدیث بود رهسپار شدند و بعد از شام، روانه دیار مصر و بعد از مصر عازم الجزائر شدند.

ایشان همچنین به «مرو» ترکمنستان سفر کردند و از آنجا به بلخ رفتند. امام به هرات نیز سفر کردند و از احمد بن ابی الولید که حنفی المسلک بود، حدیث فرا گرفتند و بعد عازم نیشابور شده و از مشایخ آنجا کسب فیض کردند.

ابتلای امام رحمته الله:

امام بخاری وقتی به بخارا آمدند، مردم و حاکم بخارا (که در آن وقت خالد بن محمد ذهلی بود) استقبال امام آمده بودند. امام بعد از این که به

(۱) - سیر أعلام النبلاء، جلد ۱۲ صفحه: ۴۰۷.

شهر بخارا وارد شدند، در یک مسجد تدریس را شروع کردند و تا مدت زیادی در شهر بخارا مشغول درس حدیث بودند، چند نفر از حاسدین بدسرشت؛ از حاکم بخارا خالد بن احمد ذهلی که نائب الخلیفه عباسی بود، خواستند که از امام بخاری بخواهد که در کاخ بیاید و به فرزندان ایشان صحیح بخاری و تاریخ کبیر را درس بدهند. لذا حاکم بخارا از ایشان تقاضا کرد که چنین کند.

امام بخاری فرمودند: شایسته نیست که من احادیث را در خانه شما تدریس کنم. شما فرزندان خود را به مسجد بفرستید و چنین استدلال کردند که اگر به نظر امیر این امر ضرورت دارد ایشان نزد من بیاید. چون که علم نزد کسی نمی‌رود و باید به دنبال علم رفت.

حاکم این را پذیرفت، اما مشروط به این که امام به فرزندان او در تنهایی و در وقت خصوصی درس بدهند. امام رحمته این را نپذیرفت و حاکم از ایشان ناراضی شد و به آخوندهای درباری دستور داد تا علیه امام تبلیغ سوء و توطئه کنند^(۱).

چنانچه بر علیه امام رحمته شروع به شایعه پراکنی نمودند و اتهاماتی به امام وارد کردند که یکی از آنها این بود که مثلاً امام رحمته فتوا داده است از نوشیدن شیر حیوانات، حرمت رضاعت ثابت می‌شود. سپس امیر بخارا با مشورت درباریانش دستور داد که امام رحمته بخاری باید از شهر بخارا بیرون شود. بالأخره زمین بخارا بر امام بخاری رحمته تنگ شد. مردم سمرقند از امام رحمته دعوت کردند که به سمرقند هجرت کنند.

هنگامی که امام رحمته از بخارا خارج شدند این گونه دعا کرد که:

(۱) - هدی الساری، صفحه ۴۹۴.

«اللهم ما قصدوني به في أنفسهم وأولادهم وأهاليهم».

«خدایا آنچه که این‌ها به من قصد کرده اند در نفس‌های خودشان و فرزندان و اهل‌شان نشان بده» (یعنی مرا بیرون کردند تو این‌ها را بیرون کن).

چنانچه دیری نگذشت که مردم بخارا علیه حاکم شورش کردند و از طرف دولت ظاهریه او را از مسند قدرت عزل کردند و بر الاغ سوار کردند، در تمام بخارا او را گردانیدند و عزت و آبرو و حیثیتی برای او نگذاشتند^(۱). و آن دسته از مشاورینی نیز که با وی موافقت کرده بودند هریک به بلائی گرفتار شدند که مایهٔ عبرت خلایق گشتند^(۲).

زمانی که امام رحمته از بخارا خارج شدند، ماه مبارک رمضان بود. ایشان وقتی به روستای خر تنگ رسیدند در آن جا باخبر شدند که در سمرقند اختلاف واقع شده است. بعضی گفته اند که امام رحمته اینجا نیاید و مخالفت کرده اند. امام در همین قریه توقف کردند تا مردم اتفاق رأی کنند و در میان مسلمانان اختلاف نشود تا مدتی منتظر ماندند، در یکی از شب‌ها ناراحت شدند و از قادر مطلق خواستند که:

«اللهم إنه قد ضاقت على الأرض بما رحبت فاقبضني إليك غير مفتون»^۳.

(۱) - هدی الساری، صفحهٔ ۴۹۴.

(۲) - مقدمهٔ تیسیر القاری.

(۳) - در این ماجرا امام بخاری دعای موت خواستند در حالی که در حدیث برای تقاضای موت نهی آمده، قال رسول الله: «لا يتمنين أحدكم الموت» پس چرا امام بخاری تمنای موت کردند؟

جواب: این است که ابن حجر می‌فرماید: به خاطر مصائب و مشکلات دنیوی، دعاوی موت درست نیست، اما به سبب مصائب اخروی مانند منع از روایت حدیث ...

«بار الها! زمین بر من تنگ شده است و جایی در زمین برای من نمانده است، مرا پیش خود فرا بخوان»^(۱).

همین که امام رحمته از دعا فارغ شدند قاصد سمرقند رسید و گفت: تمام اهل شهر اتفاق کرده اند که شما تشریف بیاورید. امام قصد سفر به سمرقند کردند یک پا را بر رکاب گذاشته بودند و پای دوم را می‌خواستند بگذارند که حالت غشی به وی دست داد، ایشان را بر زمین گذاشتند. دیدند که پیشانی‌شان عرق کرده و تمام بدن‌شان تر شده است و پس از چند لحظه متوجه شدند که این آفتاب علم، برای همیشه از آسمان دانش غروب کرد،

إنا لله وإنا إليه راجعون.

مردم برای ادای نماز عید رفته بودند، وقتی برگشتند هنگام ظهر نماز جنازه امام را خواندند و ایشان را در قریه خرتنگ به خاک سپردند^(۲)

مذهب امام بخاری رحمته:

علامه تاج الدین سبکی و ابوعاصم عبادی معتقدند که امام بخاری رحمته شافعی مذهب بوده اند. چنانچه علامه سبکی ایشان را در ردیف فقهای شافعیه ذکر کرده اند، اما علامه ابوالحسن ندوی فرموده اند که ایشان حنبلی مذهب بودند و بعضی از علمای حنفیه نیز ادعا کرده اند که امام بخاری رحمته حنفی مذهب بوده اند (دلایل این که از چه مذهبی زیاد مستفید گشته اند از اساتید برجسته امام بخاری می‌توان علامه کرابیسی، ابو‌ثور،

درست است و در اینجا همین مورد بود و چون امکان ضعف ایمان بود، لذا به همین خاطر فرمودند: غیر مفتون.

(۱) - هدی الساری، صفحه: ۴۹۴.

(۲) - هدی الساری، صفحه: ۴۹۴.

زعفرانی و علامه حمیدی را در فقه و حدیث نام برد). لذا آنانی که این اساتید را دیده اند، گفته اند: امام بخاری رحمته الله شافعی مذهب هستند و دلیل این که بسیاری دیگر معتقدند که ایشان حنبلی مذهبند، ایشان همیشه خدمت احمد بن حنبل حاضر می شدند و از ایشان کسب فیض می کردند. علامه ابن قیم در اعلام الموقعین نوشته اند که امام بخاری، مسلم، ابوداود و دیگر بزرگان از اصحاب احمد بن حنبل بیشتر او را اتباع کرده اند. لذا ایشان می فرمایند که این بزرگان حنبلی هستند، همچنین دلیل بعضی دیگر که می فرمایند: امام بخاری رحمته الله حنفی می باشند این است که «الجامع الصحیح» را با مشورت اسحق بن راهویه تألیف کرده اند و اسحق بن راهویه حنفی المسلک اند.

بعضی ایشان را مجتهد منتسب الی الشافعی قرار داده اند^(۱). بعضی می گویند: ایشان نه مجتهد بودند نه مقلد، بلکه اهل حدیث می باشند. اما حق آن است که امام بخاری مجتهد مطلق اند و بزرگترین شاهد این ادعا (کتاب بخاری) است. علامه ابن تیمه ایشان را جزء مجتهدین مطلق قرار داده اند^(۲). علامه نفیس الدین سلیمان ابراهیم نیز ایشان را مجتهد مطلق قرار داده اند.

سبب تألیف جامع صحیح:

۱- می گویند: امیر المؤمنین فی الحدیث اسحاق بن راهویه؛ استاد بزرگ امام بخاری رحمته الله آرزو داشتند که ای کاش شخصی مجموعه ای از احادیث رسول اکرم صلی الله علیه و آله را مختصراً آماده می کرد. امام بخاری رحمته الله نیز

(۱) - الإنصاف فی أسباب الاختلاف لإمام ولی الله الدهلوی.

(۲) - لامع الدراری.

در همان مجلس حضور داشتند، لذا خداوند این توفیق را به امام رحمته عطا کرد.

۲- امام بخاری در خواب دیدند که در مقابل پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله ایستاده و برای ایشان باد می‌زنند و مگس‌ها را می‌رانند. خواب‌گذاران تعبیر کردند که امام رحمته از کلام رسول اکرم صلی الله علیه و آله دروغ و افتراء را دور می‌کنند.

صحیح بخاری طبق اصول عام تألیف نشده، بلکه یک مرتبه در مسجد الحرام تراجم او را آماده ساخت و در نوبت دوم در کنار روضه اطهر، آن‌ها را از همدیگر جدا ساختند و با استخاره و غسل و وضوء و ادای دو رکعت نماز وقتاً فوقتاً در مدت ۱۶ سال روایات و آثار را نوشتند.

محمد بن احمد مروزی می‌فرمایند که من در میان حجرالاسود و مقام ابراهیم خوابیده بودم که در خواب دیدم پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «یا ابا زید، اِلٰی متی تدرس کتاب الشافعی ولا تدرس کتابی» من عرض کردم یا رسول الله صلی الله علیه و آله! کتاب شما چیست؟ فرمودند: «جامع محمد بن اسماعیل بخاری». علامه ابن کثیر می‌فرماید که: قرائت بخاری برای طلب باران خوب است و در هر منزلی تلاوت شود آن خانه از طاعون محفوظ می‌باشد.

نظر اهل علم در مورد امام بخاری رحمته:

۱- اسماعیل بن اویس بعد از بررسی احوال امام فرمودند: «هذا الحدیث انتخبها محمد بن اسماعیل من الأحادیث».

حدیثی را که امام تأیید می‌کردند در باره آن‌ها می‌گفت، یعنی این‌ها را محمد بن اسماعیل از بین احادیث انتخاب کرده اند.

۲- حافظ رجاء بن رجاء می فرماید: «فضل محمد بن إسماعیل علی العلماء کفضل الرجال علی النساء» ترجمه: «برتری امام بخاری بر علماء مانند برتری مردان بر زنان است». در جای دیگر می فرماید:

«هو آیه من آیات الله تمشی علی ظهر الأرض»^(۱).

«او آیتی از آیات الهی است که بر زمین راه می رود».

محمد ابن بشار از اساتید امام بخاری می فرماید:

«هذا أفضقه خلق الله في زماننا»^(۲).

«ایشان فقیه ترین خلق خداوند در زمان ماست».

امام زهری به شخصی فرمودند: «لو أدركت مالکاً ونظرت إلى وجهه ووجه محمد بن إسماعیل، لقلت كلاهما واحد في الحديث والفقہ».

«یعنی اگر تو چهره عالمانه امام مالک رحمته و امام بخاری رحمته را می دیدی درمی یافتی که در فقه و حدیث باهم برابر هستند»^(۳).

حافظ ابن حجر رحمته ثنا و تجلیل علما را در رابطه با امام بخاری نقل می کند و در پایان می فرماید: «لو فتحت باب ثناء الأئمة علیه من تأخر عن عصره لفنى القرطاس ونفدت الأنفاس فذاك بحر لا ساحل له».

«اگر تو بخواهی تعریف علمای بعد از امام [در باره او] را جمع کنی، کاغذها تمام می شوند و نفوس خسته می شوند، چرا که این امام مانند دریایی است که ساحلی ندارد» یعنی تعریف امام نهایی ندارد^(۱).

(۱) - هدی الساری، صفحه: ۴۸۴.

(۲) - سیر اعلام النبلاء، ترجمه ی امام بخاری.

(۳) - هدی الساری، صفحه: ۴۸۳.

آری، بدین سبب کتاب بخاری «أصح الكتب بعد كتاب الله» قرار گرفت و خود امام مفتخر به لقب امیرالمؤمنین فی الحدیث شدند.

امام احمد بن حنبل که می‌فرماید: «ما أخرجت خراسان مثل محمد بن إسماعیل» «دیار خراسان همانند امام بخاری شخصیت دیگری پیدا نکرده است».

یکی از همدرسی‌های امام بخاری رحمته می‌گوید: امام بخاری به همراه ما به نزد شیوخ بصره تشریف بردند. ما حدیث می‌نوشتیم، ولی امام بخاری رحمته نمی‌نوشت، ما اعتراض کردیم بعد از ۱۵ روز امام بخاری گفت: شما مرا خیلی مورد ایذاء قرار دادید. لذا امروز از محفوظات من یادداشت‌های خود را تصحیح کنید.

رفیقش می‌گوید: ما تا آن وقت یک هزار و پانصد حدیث نوشته بودیم و امام بخاری رحمته همه را از حفظ خواندند. ما در حیرت فرو رفتیم و از روی حافظه او نوشته‌های خود را تصحیح می‌کردیم.

تالیفات و تصنیفات امام بخاری رحمته:

امام بخاری رحمته کتاب‌های متعددی را به رشته تحریر درآورده اند که از میان آن‌ها می‌توان آثار ذیل را نام برد:

۱- جامع صحیح بخاری:

بزرگترین تألیف امام، کتاب بخاری است که بقیه کتب امام را از اذهان برده است، و مردم خیال می‌کنند که امام فقط کتاب صحیح بخاری را تألیف

(۱) - هدی الساری، صفحة: ۴۸۶.

کرده اند. و اسم کامل آن الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله ﷺ و سننه و ایامه.

- ۲- المسند که بعضی آن را الجامع الصحيح المسند عنوان کرده اند.
 - ۳- فضائل الصحابة و التابعین: این اولین تصنیف امام است که امام در سن ۱۸ سالگی آن را تصنیف کرده اند.
 - ۴- تاریخ کبیر که امام آن را در مدینه تصنیف کرده اند.
 - ۵- ادب المفرد.
 - ۶- تاریخ صغیر.
 - ۷- تفسیر کبیر.
 - ۸- مسند کبیر.
 - ۹- اسامی صحابه.
 - ۱۰- المبسوط.
 - ۱۱- جزء القراءة خلف الإمام.
 - ۱۲- کتاب الضعفاء الصغیر.
 - ۱۳- کتاب العلل.
- و ...

تعداد مرویات کتاب الجامع الصحيح:

علامه ابن صلاح در مقدمه خود می فرماید: تعداد احادیث این کتاب با مکررات، هفت هزار و دویست و هفتاد و پنج حدیث و بدون مکررات چهار هزار حدیث هستند. علامه نووی رحمته الله نظر استاد خودشان علامه ابن صلاح رحمته الله را تأیید می کنند و حافظ ابن کثیر در کتاب «اختصار علوم الحدیث» نظر علامه نووی رحمته الله و علامه ابن صلاح رحمته الله را اختیار کرده است.

البته برداشت علامه ابن حجر رحمته و دیگر بزرگان این است که کل مرویات از این تعداد بیشترند و تعداد آن‌ها را نه هزار و هشتاد و دو نوشته اند. بعضی می‌گویند: علامه ابن صلاح تعداد احادیث مسند را ذکر کرده اند و علامه ابن حجر رحمته احادیثی را که سندشان ذکر شده و آن‌هایی که ذکر نشده را نیز حساب کرده اند و با حذف و بدون در نظر گرفتن معلقات و متابعات و با رعایت مکررات هفت هزار و سه صد و نود هفت حدیث می‌شوند.

تعداد معلقات که متون‌شان را نیز در کتاب بخاری ذکر کرده اند، هزار و سیصد و چهل و یک حدیث هستند و متابعات سیصد و چهل و چهار است که مجموع آنها با آنچه که ابن صلاح گفته است نه هزار و هشتاد و دو می‌شود.

حافظ ابن حجر رحمته می‌فرماید: روایت مرفوعه بدون تکرار دو هزار و پانصد و سیزده هستند. با این حال علامه قسطلانی شاگرد ابن حجر رحمته تعداد احادیث را بعد از حذف مکررات و تعلیقات دو هزار و ششصد و دو حدیث گفته اند. شاه انور شاه کشمیری رحمته شمارش علامه قسطلانی را تأیید کرده اند.

با این حال علامه شبیر احمد عثمانی نظرشان این است که چون حافظ گفته من خودم شمرده‌ام که دو هزار و پانصد و سیزده حدیث بعد از حذف مکررات معلقات و متابعات باقی می‌ماند. لذا این نظر صحیح است، علامه عثمانی رحمته نیز این نظر را تأیید می‌کند.

تمت بالخیر (خادم الطلاب).

(ابوعبدالفتاح عبدالله ریگی).

(زاهدان ۱۳۸۰).

دَرَسِ خَتْمِ بَخَارِي شَرِيفِ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:
 كَلِمَتَانِ حَبِيبَتَانِ إِلَى الرَّحْمَنِ
 خَفِيفَتَانِ عَلَى اللِّسَانِ
 ثَقِيلَتَانِ فِي الْمِيزَانِ
 سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ

درس ختم صحيح بخارى سنة ١٤٢٠ هجرى (جامعه دارالعلوم كراچى).

يكي از طالبان علوم نبوت به نام محمد اظهر اين عبارت را قرائت كرد:
الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على نبيه الكريم وعلى آله وأصحابه
والأمة المحدثين. أما بعد باب قول الله تعالى:

﴿وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾ [الأنبياء: ٤٧].

وأن اعمال بنى آدم وقولهم يوزن، وقال مجاهد: القسطاس العدل بالرومية
ويقال القسط مصدر المقسط وهو العادل وأما القاسط فهو الجائر.

سند حديث:

فضيلة الشيخ القاضي المفتي محمد تقى العثماني حفظكم الله وأكرمكم في
الدارين حدثكم والدكم فضيلة الشيخ فقيه الملة المفتي محمد شفيح رحمة الله تعالى
عليه عن فضيلة الشيخ الإمام أنورشاه الكشميري عن شيخ الهند محمود الحسن
رحمة الله تعالى.

وحدثكم فضيلة الشيخ المفتي رشيد أحمد حفظه الله تعالى عن الشيخ حسين
أحمد المدني عن شيخ الهند الشيخ محمود الحسن العثماني عن الشيخين الجليلين
الشيخ العلامة محمد قاسم النانوتوي والعلامة رشيد أحمد الكنكوهي وهما يرويانه
عن العارف بالله الشيخ عبد الغنى المجددى عن مولانا الإمام الحجة الشيخ محمد

اسحق الدهلوي عن الشاه عبدالعزيز الدهلوي عن العارف بالله الشيخ ولي الله أحمد بن عبدالرحيم الدهلوي قال: أخبرنا الشيخ أبوطاهر محمد بن ابراهيم الكردى قال: أخبرنى والدي الشيخ ابراهيم الكردى قال: قرأت على الشيخ القشاشى قال: أخبرنا الشيخ أحمد بن عبدالقدوس النشاوي قال: أخبرنا الشيخ محمد بن احمد الرملى عن الشيخ زكريا بن محمد أبي يحيى الأنصاري قال: قرأت على الشيخ الحافظ الحججة أحمد بن علي بن حجر العسقلاني عن الشيخ إبراهيم بن أحمد التنوخي عن الشيخ أحمد بن أبي طالب عن الشيخ السراج الحسين بن المبارك عن الشيخ عبدالأول بن عيسى الهروي عن الشيخ عبدالرحمن بن مظفر الداؤدى عن شيخ عبدالله بن أحمد السرخي عن الشيخ أبي عبدالله محمد بن يوسف الفبري عن الإمام الجليل الحافظ الحججة أمير المؤمنين في الحديث أبي عبدالله محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة بن بردزبه الجعفي البخاري رحمهم الله تعالى وامتعنا بفيضهم. آمين.

قال: حدثنا احمد بن اشكاب قال: حدثنا محمد بن فضيل عن عمارة بن القعقاع عن أبي زرعة عن أبي هريرة رضي الله تعالى عنه وعنهم أجمعين قال: قال النبي صلى الله عليه وسلم:

«كَلِمَتَانِ حَبِيبَتَانِ إِلَى الرَّحْمَنِ خَفِيفَتَانِ عَلَى اللِّسَانِ ثَقِيلَتَانِ فِي الْمِيزَانِ
سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ».

سخنرانی توسط شیخ الاسلام مولانا

محمد تقی عثمانی مدظلهم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا ومولانا محمد خاتم النبيين
وعلى آله واصحابه أجمعين وعلى كل من تبعهم بإحسان إلى يوم الدين. أما بعد!
علماء، طلاب و حضار عزیز و بزرگوار!
بزرگترین انعام و احسان خداوند آن است که امروز در دارالعلوم کراچی
در طول سال تحصیلی آخرین درس قرائت می‌گردد.
مطابق با روایات مدارس دینی ما، این آخرین درس صحیح بخاری و
آخرین باب از احادیث می‌باشد. امروز که این جلسه پرخیر و برکت برگزار
می‌گردد، یافتن الفاظی که بتوانیم به وسیله آن شکر خداوند را ادا کنیم
مشکل است، خداوندی که با فضل و کرم خویش این سال تحصیلی را به
مرحله تکمیل رساند.

جدائی و فراق حضرت مولانا سبحان محمود رحمته:

و از سوی دیگر دل و دماغ متأثر از این است که این آخرین درس حدیث
بخاری شریف از سال ۱۳۹۶ هـ (مطابق ۱۹۷۶م) توسط پدر بزرگوارم، مفتی
اعظم پاکستان مولانا مفتی محمد شفیع (قدس الله سره) برگزار می‌شد و
بعد از وفات ایشان از سال ۱۳۹۶ هجری مخدوم بزرگ و استاد شیخ الحدیث
مولانا سبحان محمود صاحب (قدس الله سره) این مسوولیت را به نحو

احسن انجام می‌دادند و تا سال گذشته ۱۴۱۹ هـ (مطابق با ۱۹۹۸) ما و شما از درس ایشان استفاده می‌کردیم.

ایشان نیز امروز حضور ندارند و هم اکنون عدم وجود ایشان از عالم هستی بر قلب و روح ما بسیار گران تمام می‌شود. امیدوارم خداوند عزّ و جل با فضل و کرم خویش او را در رفیع‌ترین مقام‌ها قرار دهد و فیوضات ایشان را همیشگی بگرداند و خداوند به ما توفیق عمل و طاعت عنایت فرماید. (آمین).

بزرگترین فاجعه دین:

در دنیا تاکنون هیچ غم و اندوهی بزرگ‌تر و سخت‌تر از این غم و اندوه پیش نیامده که بعد از وفات حضرت رسول اکرم ﷺ برای صحابه (رضوان الله تعالی علیهم اجمعین) پیش آمد.

صحابه رضی الله عندهم حاضر بودند در مقابل یک نفس کشیدن حضرت رسول اکرم ﷺ هزاران جان را فدا کنند. لیکن این از قوانین لا یتغیر الله عزّ و جل است که هیچ کسی را مجال چون و چرا نیست و هر مؤمن چاره‌ای جز تسلیم و قانع‌بودن به قضاوت و تقدیر خداوندی ندارد.

غم و اندوه یک مورد فطری و طبیعی است، بلکه حق سبحانه و تعالی حکمت دانسته است و هیچ مسلمانی حق اعتراض بر این غم و ناراحتی که تقدیر و قضاوت خداوندی است را ندارد و باید در مقابل این قضاوت سر تسلیم پایین بیاورد و این است تفسیر:

﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ [البقرة: ۱۵۶].

امروز در این جلسه پرخیر و برکت علماء و اولیاء و صلحاء اجتماع فرموده اند. من از شما شخصاً تقاضا دارم که امروز در این جلسه برای

مغفرت مولانا قدس سره و بلندی درجات و صبر جمیل برای بازماندگان و توفیق پیروی از علمای امت دعای ویژه بفرمایید.

روش تدریس کتب حدیث:

در مدارس دینی ما روش تعلیم و تدریس کتب حدیث به این نحو است که طلبه عبارت را قرائت می‌نماید و استاد پس از شنیدن، تصدیق و تأیید می‌نماید و بعد از شنیدن و تأییدنمودن معانی و مطالب، مفاهیم و همچنین مسایل مربوطه به حدیث را مفصلاً بیان می‌کند.

روشی که امروزه در مدارس دینی ما وجود دارد، غیر از مدارس پاکستان، هندوستان و بنگلادش^(۱) در هیچ جای دنیا یافت نمی‌شود. امید است خداوند این توفیقات را همیشه نصیب ما بگرداند و آن را قایم و دایم نگهدارد.

چهار کتاب مشهور حدیث (صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ترمذی و سنن ابوداود) را طلاب از اول تا آخر کتاب در مقابل استاد نشسته می‌خوانند و این روش تعلیم و تدریس در هیچ جای دیگر از دنیا رایج نیست.

برعکس نصاب درسی حدیث را که امروزه در مدارس و دانشگاه‌ها رواج داده اند، فقط تعیین چند باب منتخب است که فقط و فقط به همان احادیث منتخب اکتفا می‌کنند و در مورد حفظ اسناد احادیث منتخب هیچ برنامه‌ای وجود ندارد؛ همچنین در مورد حفظ روایت هم هیچ جدّیتی صورت نمی‌گیرد.

(۱) - هم اکنون در ایران، در حوزه‌های علمیّه اهل سنت نیز این روش وجود دارد. (مترجم).

خواندن سند حدیث قبل از قرائت متن حدیث:

بنابراین که بزرگان مدارس ما این روش را از دارالعلوم دیوبند تجویز نموده اند که الحمدلله امروز ما توفیق عملی کردن آن را داریم، چنانچه این حدیث در آخرین باب از صحیح بخاری به رشته تحریر درآمده است. طلبه عزیز، مولوی محمد اظهر بن مولانا منظور احمد سلمه الله آن را در خدمتتان قرائت کرد.

قبل از بیان توضیحاتی در مورد حدیث مذکور در این باب به عنوان تشریح سخنانم باید عرض کنم چنان که دیدید این طلبه قبل از قرائت متن حدیث، لیستی طولانی از اسامی بزرگوار را پی در پی خواند. باید بگوییم این اسامی مکتوب نیستند، بلکه ایشان این اسناد معتبر را خواند و بعد حدیثی را که امام بخاری روایت کرده‌اند قرائت کرد.

روش قرائت احادیث در مدارس دینی ما بدین صورت است که هنگام درس قبل از خواندن عبارت حدیث، طلبه می‌گوید «بالسند المتصل منّا إلی الإمام البخاری رحمته (قال حدثنا)» و بعد به طور خلاصه و اختصار به «به قال حدثنا» اکتفاء می‌کند، اما هنگام رسیدن به آخرین حدیث طلبه مناسب می‌داند که به جای اختصار، از ما گرفته تا رسول اکرم صلی الله علیه و آله همه واسطه‌ها را ذکر نماید تا بعد از بیان واسطه‌ها، اصل حدیث که از نخستین شخص بزرگوار به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است، قرائت گردد.

سند حدیث از خصوصیات امت محمدیه است:

ظاهراً این مسأله عادی به نظر می‌آید، امّا اگر با چشم دل و بصیرت بنگریم حکمت و فلسفه‌ای بس بزرگ برای من و شما نمایان می‌گردد که قرائت سند احادیث مقام درسی را بالاتر می‌گرداند.

مطلب آغازین این است که سندی را هم اکنون این طلبه قرائت کردند، در این سلسله سند از استاد بزرگوار بنده گرفته تا جناب محمد مصطفی ﷺ و کلیه اسامی اصحاب و بزرگواران که ذکر شدند، گویای این حقیقت است که هریکی از احادیث معتبر به ما رسیده است و این سلسله اسامی با نام حضرت رسول اکرم ﷺ خاتمه می‌یابد. سپس به متن حدیث رسیدیم توسط این پاک طینتان است که ما امروزه علم حدیث را به راحتی قرائت می‌کنیم و این سعادت است بس عظیم آن هم فقط نصیب امت محمدیه ﷺ «علی صاحبها الصلاة والسلام» شده است، چرا که در هیچ جای دیگری از کره زمین چنین سعادت نصیب نشده است، و هیچ ملت و مذهبی نمی‌تواند ادعا کند و با اطمینان بگوید که سخنان مقتدا و پیامبر آنان با این چنین روشی یقینی به آنها رسیده است، این ادعا را نه ملت یهود در باره تورات و نه مسیحی‌ها و نصرانی‌ها در باره انجیل می‌توانند بکنند. هنگامی که مدعیان کتب آسمانی نمی‌توانند این ادعا را ثابت کنند، پس چگونه می‌توانند در باره سخنان و سنن پیامبران خودشان حرفی به میان آرند؛ زیرا دلایل و اسنادشان غیر معتبر می‌باشد.

تورات و انجیل قابل اعتماد نمی‌باشند:

امروزه اگر از بزرگترین علماء یهود بپرسیم که این توراتی که شما آن را کتاب آسمانی خدا می‌دانید برای اثبات این چه دلیل و سندی دارید؟ و آیا دلیلی دارید که این همان تورات منزل بر موسی ﷺ از جانب خداوند است؟ آنها جواب قانع کننده ندارند.

حالت پیروان انجیل نیز به همین صورت است، آن‌ها نیز عبارت انجیل که بر عیسی ﷺ نازل شده است را کاملاً تغییر داده‌اند، و کتابی که به نام

انجیل موجود است چیزهایی است در مورد احوال زندگی عیسی علیه السلام که مسیحیان آن را جمع نموده و ادعا را می کنند که از منبع الهام جمع شده اند.

اما امروزه آن ها چه مدرکی دارند که در این نوشته ها هیچگونه تحریفی صورت نگرفته و همان مکتوبات قبلی باشند، به صراحت می گوییم که هیچ مدرک و سندی برای صداقت کتب خویش ندارند.

احادیث قابل اعتماد هستند:

اما خداوند عزّ وجل این عزت و اعزاز را به امت محمدیه عطا فرموده است که تمامی اقوال و افعال و تقاریر نبی کریم صلی الله علیه و آله را می توانیم با اطمینان قلب و صداقت به آن حضرت صلی الله علیه و آله نسبت دهیم و اگر اعتراض شود که شما از کجا این همه به احادیث منقوله از رسول اکرم صلی الله علیه و آله یقین دارید؟ در جواب با جرأت و اطمینان کامل، تمام سند حدیث که جمعاً لیستی از صحابه کرام و راویان ثقه و معتمد می باشند را تقدیم می کنیم. چنانچه برای نقل یک حدیث اسناد بسیار معتبری را در دسترس داریم و به عنوان مثال سند آخرین حدیث را این طلبه خدمت شما قرائت نمود و شما هم دیدید.

زندگی نامه روایان حدیث محفوظ است:

مطلب این نیست که تمام سلسله نسب اساتید از ما گرفته تا ذات مبارک رسول اکرم صلی الله علیه و آله بدون تردید محفوظ است، بلکه شما برای نمونه بر روی نام یکی از این پاک طینتان انگشت بگذارید و بپرسید که او چگونه انسانی است و در چه زمانی از مادر متولد شده و در محضر چه اساتیدی علم حاصل نموده و اخلاق و سیره ایشان چگونه بوده است؟ جواب کافی و مستدلّ

موجود است و حتی کلیه زندگی‌نامه هریکی از ایشان (راویان) در کتب معتبر محفوظ می‌باشد.

هم اکنون کتاب صحیح بخاری که در مقابل حضرات گرامی گذاشته شده مشتمل ۱۱۲۸ صفحه است و همانطور که مشاهده می‌فرمایید در هر صفحه‌ای تقریباً ۱۰ تا ۱۱ حدیث شریف ذکر شده و برای نقل هر حدیث نام چندین تن از راویان معتبر بیان شده است، حال شما نام یکی از راویان را انتخاب نمایید. بعد به یکی از علماء کرام بگویید که مثلاً احوال زندگی این راوی را بیان فرماید، و به استحضار می‌رسانم که احوال زندگی هر راوی از ولادت تا وفات وی در تمام کتاب رجال مدون و محفوظ است.

حال این سوال مطرح می‌شود که چرا احوال زندگی آن‌ها از ولادت تا وفات کاملاً به رشته تحریر درآمده است؟ جواب این است که چون آن‌ها احادیث رسول الله ﷺ را روایت نموده اند، باید مشخص شود که آیا بر روایت حدیث وی می‌توان اعتماد کرد یا خیر. لذا علمای جرح و تعدیل تمام مشخصات یک راوی را بیان نموده اند تا با توجه و شناخت از شخصیت، امانت، صداقت و دیانت وی می‌توان به حدیثی که روایت نمود ه یقین نمود یا خیر.

زحمات علمای جرح و تعدیل:

حالات راویان حدیث فقط بنا بر سخنان شنیده شده نیست، بلکه برای تحقیق و بررسی احوال هریکی از راویان، خداوند جلّ شأنه علمای بزرگی را برای شناخت جرح و تعدیل احادیث، آن چنان ذکاوتی عطا نموده که از جوانب زندگی راویان حدیث نیز اطلاع کافی دارند.

این مقوله مولانا انور شاه کشمیری رحمته را من از زبان مبارک پدر عزیزم مولانا مفتی محمد شفیع رحمته شنیدم که می‌فرمود: خداوند متعال به حافظ

شمس الدین ذهبی رحمته چنان ذکاوت و استعدادی برای شناسایی رجال حدیث عنایت فرموده بود که اگر چنانچه تمام راویان حدیث را در یک میدان وسیعی جمع می‌کردند و بعد حافظ شمس الدین را بر بالای منبر می‌بردند ایشان می‌توانست با اشاره انگشت به طرف هر یکی از راویان، تمام احوال و مقام و رتبه ایشان را تک تک بیان فرمایند و خداوند جل شأنه به ائمه جرح و تعدیل مقام رفیعی را عنایت فرموده است.

امروزه بعضی‌ها بسیار مخفیانه می‌گویند که ما نیز اهل اجتهاد هستیم چون که ما هم در علم حدیث و قرآن همان مرتبه و مقام را داریم که خداوند به گذشتگان عنایت فرموده است، این گروه مدعی این مقوله هستند که: «هم رجال ونحن رجال» لیکن حقیقت این است که «نه هر که سر بتراشد قلندری داند».

حافظه، علم، تقوی، زحمات، شوق و عشق الهی را که خداوند به آن دسته از علماء ارزانی داشته، هیچ توجیه و اقراری به غیر از این نیست که خداوند آن‌ها را برای اهداف خاصی به وجود آورده که آن‌ها بتوانند سخنان رسول گرامی صلی الله علیه و آله را حفظ نمایند.

داستان یک محدث:

علامه خطیب بغدادی رحمته در کتاب «الکفایه» که یکی از کتب مشهور اصول حدیث است قول یکی از ائمه جرح و تعدیل را نقل فرموده که ما برای تحقیق احوال از راویان حدیث به منطقه و روستای وی می‌رفتیم. (رفتن به این نوع بود که هنگامی که مشخص می‌شد که فلان شخص در فلان شهر زندگی می‌کند و حدیث روایت می‌کند و آن شهر هزاران کیلومتر دور بود و در آن عصر هواپیمایی وجود نداشت که با سفر هوایی در طی ۲ الی ۳ ساعت به آن شهر برسند، بلکه در آن عصر مسافرت با اسب و شتر و یا با پای پیاده

صورت می‌گرفت و این سفر تحقیقی به این علت بود تا مشخص گردد راوییی که این حدیث یا فلان حدیث را روایت نموده چه مقام و منزلتی دارد؟).
 لذا به محل سکونت وی می‌رفتیم و در باره احوال وی تحقیق و تفحص می‌نمودیم و حتماً از همسایگان و دوستان و نزدیکان وی در مورد احوالش سوال می‌کردیم که وی چگونه شخصیتی است و این که چگونه نماز و روزه را ادا می‌کند؟ و در معاملات چگونه است و یا از لحاظ اخلاقی در چه مرتبه‌ای قرار دارد و کلیه مشخصات او را می‌گرفتیم و به حدی تحقیق و جستجو می‌کردیم که گاهی اوقات مردم می‌پرسیدند: آیا می‌خواهید در اینجا دخترتان را به نکاح کسی درآورید که این همه تحقیق و بررسی می‌کنید؟ ما در جواب می‌گفتیم: اصلاً چنین هدفی در کار نیست، هدف از جستجو این است که فلانی حدیثی را از حضرت رسول اکرم ﷺ روایت نموده اند و ما با این تحقیقات می‌خواهیم بدانیم که آیا می‌توان بر روایت ایشان اعتماد کرد یا خیر؟

فن أسماء الرجال:

به همین صورت علماء جرح و تعدیل حالات هریکی از راویان را جداگانه تحقیق نموده و کتبی در فن شناخت اسماء الرجال جداگانه و مرتب گذاشته شده اند که یکی از آن کتب در این فن در ۳۰ جلد وجود دارد و همچنین در این کتب به ترتیب حروف الفبا از روی اسامی راویان حالات آن‌ها را درج نموده‌اند برای اطمینان بیشتر می‌توانید کتاب بخاری شریف یا یکی از کتب صحاح سته یا هر کتاب حدیثی که باشد را در نظر بگیرید و بعد از آن بر حدیثی انگشت بگذارید و یکی از راویان آن حدیث را انتخاب کنید. کاملاً و بدون هیچ مشکلی می‌توانید تمام احوال زندگی آن راوی را به ترتیب حروف الفبا در کتب اسماء الرجال مورد بررسی قرار دهید.

بدون ذکر سند حدیث غیر قابل قبول می‌باشد:

تا زمانی که کتب حدیث (صاحح سته) و... هنوز منتشر نشده بودند، قانون این بود که اگر شخصی حدیثی را بیان می‌نمود باید سندش را نیز بیان نماید که فرضاً این حدیث را من از فلانی شنیده‌ام و فلانی از فلانی شنیده است، لذا باید قبل از قرائت حدیث اول سند را ارایه می‌داد و بعد حدیث را قرائت می‌نمود، با این حساب حدیث وی قابل قبول واقع می‌شد و اگر چنانچه شخصی بدون سند حدیثی را بیان می‌نمود، هیچکس حاضر به شنیدن سخنان وی نبود.

مقام و حیثیت سند بعد از منتشر شدن کتب حدیث:

خداوند به محدثین مقام و درجات عالی و رفیع نصیب فرماید. (آمین!) آن‌ها کلیه احادیث را به صورت صحیفه‌ها درآورده‌اند. لذا با احاله به کتب حدیث که به درجه تواتر رسیده‌اند، نیازی به حفاظت و تحقیق بیشتر از سند نیست. چون که فرضاً از طریق تواتر به اثبات رسیده که این کتاب روایت امام بخاری رحمته است. لذا بیان نمودن سند برای احادیث ضروری نیست، بلکه بعد از بیان کردن هر حدیث گفتن رواه البخاری کافی است. لیکن با وجود این همه بزرگان ما روشی را ترتیب داده‌اند که هنگام قرائت هر حدیث سند طولانی بیان نمی‌شود، اما بنابر روایت و اجازه حفاظت نمودن آن سند ضروری است. چون که اگر قبل از قرائت هر حدیثی سندی طولانی بیان شود، برای مردم دشوار می‌شود. لذا فقط گفتن راوی آن روایات بدون واسطه‌ها کافی است؛ زیرا اگر راوی بالفرض امام بخاری رحمته باشد، فقط رواه البخاری گفتن کافی است؛ چون سلسله اسامی از ما تا امام بخاری در تمام سندها در نزد ما محفوظ است که امروز این طلبه عزیز در حضور ما حدیث را قرائت نمود، لذا این تحقیق ظاهری سند بود.

راویان حدیث، مناره نور هستند:

این حدیث از اهمیت معنوی برخوردار است و آن این که بندگان نیکی را که خداوند متعال برای حفاظت سخنان رسول خویش ﷺ انتخاب فرموده، این از سعادت و خوش نصیبی آن بزرگواران است. و (این سعادت به زورباز و نیست تا نبخشد خدای بخشنده). این سعادت را خداوند فقط به کسانی عنایت فرموده که آن‌ها را برای این فن انتخاب فرمود؛ زیرا هرکسی را به هرکاری ساخته‌اند؛ و به هرکسی که خداوند بخواهد این سعادت را عطا می‌فرماید. لذا هر یکی از آنان تاج سر ما می‌باشند، و خداوند در ذات و شخصیت آن‌ها برکاتی را نهفته است. و دعا می‌کنیم خداوند تلاش آنان و سعی و کوشش ما را مورد قبول درگاه خویش قرار دهد.

مثلی زیبا برای راویان حدیث:

شیخ بنده حضرت داکتر عبدالحی (قدس الله سره) در این باره مثالی زیبا بیان نموده اند و فرموده اند: شما در مسیر راه چوب برق را مشاهده می‌کنید که توسط آن به منازل ما برق می‌رسد. حال این لامپ که روشن می‌گردد نورش از کجاست؟ این نور از چندین تیر برق است که نهایتاً به لامپ می‌رسد و سلسله این چندین چوب برق به موتورخانه برق وصل می‌گردند و منبع اصلی نور لامپ‌ها از موتورخانه است و برای روشن نمودن لامپ‌ها فشار دادن کلید کافی است که در این صورت جریان الکتریسته در لامپ توسط تیرهای برق از موتورخانه به سیم‌های ارتباطی داخل می‌شود و نور تولید می‌کند. همچنین از ما گرفته تا ذات مبارک حضرت رسول اکرم ﷺ تمام سلسله اسامی سند به این ترتیب می‌باشد که واسطه‌ها همان تیرهای برق هستند که ما را به منبع اصلی یعنی به موتورخانه برق (رسول اکرم ﷺ) می‌رسانند. یعنی هنگامی که شما می‌گویید (حدثنا فلان) گویا کلید برق را

ز دید و در نتیجه شما توسط این (سلسله الذهب) یعنی این زنجیر طلائی (واسطه‌های معزز) به راه راست در علوم نبوی ﷺ مستقیم به موتور خانه ذات مبارک حضرت رسول ﷺ متصل می‌گردید، لذا آن علم به ما نور می‌بخشد. بدین ترتیب هر شخصی که در سلسله الذهب داخل گردید رابطه خودش را با دیگر راویان برقرار نموده است، امیدوارم خداوند هرگاه باران رحمت خویش را بر بندگان نیکش (راویان حدیث) می‌باراند، بنده حقیر را که در این سلسله الذهب همراه شده‌ام قطره‌ای از آن باران رحمت نصیب گرداند.

همراه شدن در این سلسله الذهب نعمت و سعادت است بس عظیم. امروزه من و شما احساس این نعمت عظمی را نمی‌کنیم. لیکن وقتی چشمان ظاهر بسته گردند و در بارگاه خداوندی حاضر شویم آن وقت خواهیم دانست که وابستگی و تعلق به این سلسله الذهب چه فایده عظیمی را دربر دارد.

انسان در روز قیامت با چه کسانی همراه خواهد بود:

شیخ رحمه الله سخنانی را که ایراد می‌فرمودند از این حدیث ثابت است و آن این که صحابی ای عرض کرد یا رسول الله ﷺ من هیچ عمل زیادی ذخیره ندارم لیکن من با خدا و رسولش محبت دارم؛ حضرت رسول اکرم ﷺ فرمودند: سرانجام انسان با افرادی می‌باشد که با آنها محبت دارد و اگر چنانچه شما با خدا و رسولش محبت کنید، سرانجام شما نیز به همراه آنها خواهید بود، (انشاء الله).

صحابه رضی الله عنهم فرمودند: هیچ روزی ما تا این حد خوش حال نبودیم به قدری که امروز بعد از شنیدن این سخن خوش حال شدیم که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ».

به هر حال، هنگامی که با محبت نمودن و اظهار عقیده با سلسله الذهب با آنان پیوند برقرار نمودیم، مطابق این حدیث که این وعده را فرموده که: «الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ» ان شاء الله خداوند لطف و کرمش را شامل افرادی کند که با سلسله الذهب پیمان می بندند. این بحث مختصر پیرامون سندی بود که این طلبه عزیز خدمت شما قرائت نمود.

مقام و منزلت صحیح بخاری

امام بخاری رحمته الله از گروه محدثینی هستند که تمام اُمت بالاجماع در باره کتاب ایشان می فرمایند که صحیح ترین کتاب بعد از کلام الله مجید، کتاب صحیح بخاری است و این اتفاق نظر را بی جهت نگفته اند، بلکه علمای جرح و تعدیل پس از تحقیق و جستجوی فراوان در باره هر یکی از احادیث و بعد از مراجعه زیاد به جرح و تعدیل به این نتیجه دست یافته اند که بدون شک کلیه مذاهب بر این نظر متفق اند که کتاب صحیح بخاری در مقام اصح الکتب بعد کتاب الله قرار گرفته است.

امام بخاری رحمته الله از این هفت هزار حدیث، احادیثی را برگزیده اند که همه آن احادیث منتخب اند که در صحیح بخاری به رشته تحریر درآمده اند.

اهتمام ویژه به نوشتن احادیث:

امام بزرگوار قبل از تحریر هر حدیثی غسل می فرمود، بعد از آن دو رکعت ادا کرده و استخاره می نمود. هدف از استخاره این بود که از خداوند طلب مشورت می نمود که: بار الها! من با زحمت و تلاش خویش و طبق معلومات

خودم بی تردید تحقیق نموده‌ام. لذا حدیث را به گمان خودم صحیح دریافتیم و آیا این حدیث را به رشته تحریر درآورم یا خیر؟ اگر چنانچه بعد از مشورت الهی اطمینان خاطر حاصل می‌شد و خداوند انشراح صدر عنایت می‌فرمود، آن حدیث را در کتاب می‌نوشتند.

ظرافت در تراجم ابواب:

از یک طرف احتیاط و خداترسی وجود داشت و از طرفی دیگر کتاب را طوری ترتیب دادند که برای آن عناوینی را تعیین نمودند که به آن‌ها «تراجم ابواب» گفته می‌شود و حیثیت علم جداگانه را دارند که در حدود یک هزار سال علماء تاکنون در اعماق دریای گوهرآگین آن غوطه می‌زنند و تاکنون هیچ کسی مدعی نیست که توانسته تمام مرواریدهای آن را کشف کند.

علت آوردن کتاب التوحید در آخر:

چنانچه این آخرین باب و حدیث کتاب صحیح بخاری است، در این جا نیز امام بخاری رحمته روش عجیبی را اختیار نموده اند و آن این که امام بخاری رحمته کتاب‌شان را با کتاب التوحید به پایان رسانیده‌اند.

چنانچه کتاب را با باب (بدء الوحی) و با حدیث «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ» آغاز نمودند، و بعد از آن کتاب الایمان و بعد کتاب العلم و بعد در تمام شئون زندگی هرچه حدیث هستند، ابواب‌شان را بیان فرموده‌اند و کتاب التوحید را در پایان ذکر نمودند. ظاهراً باید این طور می‌بود که آن جا که کتاب الایمان را ذکر کردند همانجا نیز باید کتاب التوحید ذکر می‌شد؛ چرا که توحید بزرگ‌ترین و عالی‌ترین درجه ایمان و اساساً اولین شرط ایمان است، لذا توحید با ایمان کاملاً پیوسته و ارتباط خاصی دارد.

اما امام بخاری رحمته ابتدا کتاب الایمان و بعد ابواب مختلفه دیگر را و در پایان کتاب التوحید را آوردند. حال این سوال مطرح می شود که دلیل امام بخاری رحمته برای این کار چیست؟ شارحین احادیث با قیاس خود جواب این سوال را دریافته اند که هدف امام از این روش ها چه می باشد؟

ا- گروهی می گویند: این که ابتدا کتاب الایمان را آغاز نمود به این خاطر است که مسلماً اموری که ایمان را اقتضاء می نماید الزامی است. یعنی باید دانست بعد از ذکر ایمان، امام رحمته مقتضیات ایمان را بیان کرده اند که ایمان به چه چیزی لازم است، و در کتاب التوحید مقتضای سلبی ایمان را بیان می نمایند. یعنی چه عقایدی اشتباه و خطا، و چه عقیده ای باطل و گمراه کننده است تا نظر گمراهان که عقائد باطله دارند ردّ و ابطال گردد.

ب- باز گروهی از علماء می فرمایند: هدف امام بخاری رحمته این است که اسلام فقط توحید است. لذا اسلام ناب از ایمان آغاز می گردد و با توحید اختتام می پذیرد.

ج- گروهی دیگر می فرمایند: این روش مصداق این حدیث حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله قرار می گیرد که می فرمایند: «من کان آخر کلامه لا إله إلا الله: دخل الجنة»^(۱) یعنی «هرکسی که آخرین کلام وی کلمه طیبه (توحید) باشد، داخل بهشت می گردد». و از آن جایی که عبارت توحید کلمه طیبه «لا إله إلا الله» می باشد. کتاب التوحید را از نظر ترتیبی در آخر ذکر فرمودند تا آخرین کلام، الفاظ «لا إله إلا الله» شوند، و مصداق حدیث شریف حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله گردد. به هر حال، رأی محدثین در این رابطه مختلف می باشد. قضاوت

(۱) - ابوداود، کتاب الجنائز باب فی التلقین.

امر با خداوند کریم است که امام صاحب رحمته چه موردی را مدّ نظر خویش داشته اند.

علت ختم نمودن کتاب التوحید در این باب:

چرا قبل از اختتام کتاب با الفاظ توحید آن را در این جا به پایان رسانید که باب قوله تعالی:

﴿وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾ [الأنبياء: ۴۷].

در جواب باید گفت: این باب را بنا بر رهنمودهای خداوند متعال قائم نمود که ما ترازوی عدل را در روز قیامت قرار می‌دهیم، و هدف امام بخاری رحمته با قائم نمودن این باب، رد بر عقیده معتزله است که می‌گویند که «وزن اعمال حقیقت ندارد».

سرّ آوردن کتاب التوحید در آخر:

مهمترین سرّی که در اختتام کتاب التوحید بر وزن اعمال بوده است این که خاتمه زندگی پرمشقت انسان بر روز اعمال است، لیکن این زندگی در ابتدا از نیت آغاز می‌گردد. بنابراین، امام بخاری رحمته کتاب‌شان را با «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ» آغاز نمودند، و بعد از آن انسان در طول زندگی خویش اعمال مختلفی انجام می‌دهد تا هنگامی که موت به سراغش می‌آید و بعد از مردن زندگی برزخ آغاز می‌گردد و بعد از عالم برزخ برای حساب و کتاب به محضر خداوند حاضر می‌شود و در آن جاست که اعمال وزن می‌شوند و بعد از وزن اعمال جزا و سزا به شکل جنت و جهنم آشکار می‌گردند.

لذا خداوند متعال قبل از جزا و سزا، اعمال را وزن می‌فرماید که نتیجه‌اش تعیین جزا و سزا می‌باشد. پس کاملاً هوید است که خاتمه زندگی پرمشقت انسان بر وزن اعمال گذاشته شده است و بنابر همین استنباط

می باشد که امام بخاری رحمته الله اختتام کتابشان را با کتاب التوحید، باب (وزن اعمال) آغاز نمودند و بدین صورت باب را آغاز فرمودند که:

﴿وَوَضَعَ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾ [الأنبياء: ۴۷].

خداوند چه احتیاجی به گذاشتن ترازو دارد؟

در این جا این سوال در ذهن مطرح می شود که خداوند متعال چه احتیاجی به گذاشتن ترازو برای وزن اعمال دارد. چون که خداوند «عالم الغیب» و «علیم بذات الصدور» است و از عمل و نیت هرکسی باخبر است و او می داند هر شخصی چه عملی انجام داده و می دهد. و مقتضای شأن خداوند آن است که در مورد هیچ یک از داوریهای او کسی حقّ چون و چرا ندارد، چرا که خداوند عادل مطلق هستند.

بدون تردید هرکسی که خداوند را قبول دارد، این را نیز حقیقتاً می پذیرد که از جانب خداوند هیچ نوع ظلمی صورت نمی گیرد و تمام امور وی بر عدالت استوار هستند، چرا که می فرماید:

﴿وَمَا أَنَا بِظَالِمٍ لِّلْعَبِيدِ﴾ [ق: ۲۹].

لذا خداوند متعال بدون گذاشتن ترازو و بدون وزن اعمال هم کاملاً می تواند بر بهشتی یا جهنمی بودن شخصی حکم فرماید و احدی حق ندارد که بر این حکم الهی اعتراضی کند، چون که نزد هیچ کسی چنان حجتی موجود نیست که توسط آن بتواند حکم و تقدیر الهی را رد کند؛ زیرا خداوند قادر مطلق، عالم مطلق و عادل مطلق است. لذا هیچ کسی را مجال چون و چرا نیست.

انصاف خداوندی:

اراده الهی از قائم نمودن ترازو برای وزن اعمال این است که به مخلوق این درس را بیاموزد که من هیچ وقت برای سزای کسی حکم نمی‌کنم تا وقتی که در جلو روی وی برای اعمالش دلیلی را فراهم نمایم؛ و در روز قیامت سزای هر انسانی تعیین شده و به وی گفته می‌شود:

﴿اِقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا﴾ [الإسراء: ۱۴].

«در آن روز بدو گفته می‌شود، کتاب (اعمال) خود را بخوان (سعادت‌ی یا شقاوت خویش را بدان) کافی است که خودت امروز حساب‌گر خویشتن باشی (چه مسائل روشن است و نیازی به شاهد و حسابرس دیگری نیست)».

بنابراین، برای هر شخصی اثبات می‌شود که وی مرتکب اشتباهات و گناہانی شده است و هدف از وزن اعمال بدین خاطر صورت می‌پذیرد که نه فقط عدل قائم شده، بلکه حکم عدل و انصاف باید در مقابل طرف، علناً انجام گیرد تا کاملاً مشخص گردد که انصاف رعایت شده و کسی مجال اعتراض نداشته باشد. به همین علت علماء می‌فرمایند: قاضی اجازه ندارد با علم خود حکم را صادر نماید تا وقتی که جلوی روی وی دلیلی نباشد.

اعمال غیر مجسم چگونه وزن می‌شود؟

قبلاً امام بخاری رحمته ذکر فرمودند که: «وان أعمال بني آدم وقولهم يوزن» یعنی تمام اقوال و اعمال بنی آدم وزن می‌شوند. این قول را امام بخاری رحمته بنابر رد عقل‌پرستان ذکر فرمود، چرا که آن‌ها معتقدند که اعمال جسم نیستند که بتوان آن‌ها را وزن نمود؛ زیرا فقط اجسام وزن کرده می‌شوند و اعمال اعراض هستند و چگونه می‌توان آن‌ها را با ترازو وزن کرد؟

بعضی فقط معتقدند که اعمال نامه‌ها وزن می‌شوند و امکان وزن نمودن اعمال نیست. گروهی دیگر معتقدند که نامه اعمال وزن نمی‌شوند، بلکه هر شخص عمل کننده وزن می‌شود و هر انسانی که عملش خوب باشد به همان مقدار وزنش زیاد می‌شود و هر انسانی که اعمالش خوب نباشد وزن او کم می‌شود.

خداوند بر وزن اعمال قدرت کافی دارد:

امام بخاری رحمته الله با این الفاظ اشاره می‌کند که استنباط تمام این نظریات اشتباه می‌باشند، چرا که نیازی نیست که نامه اعمال وزن شود و حتی نیازی به این نیست که انسان وزن شود. چون حقیقت آن است که همان طور که قرآن فرمود که (اعمال وزن می‌شوند) باید کاملاً معتقد بود که اعمال وزن می‌شوند. در این جا واضح می‌گردد که سوال در مورد چگونگی وزن اعمال بی‌فایده و فضولی است، چرا که خداوند متعال قادر مطلق است؛ همانگونه که در اجسام صلاحیت وزن را گذاشته است، می‌تواند آن صلاحیت را در اعراض نیز بگذارد.

فلاسفه و دانشمندان این عصر معتقدند که گرمی و سردی را می‌توان وزن نمود و انعکاس صدا نیز قابل وزن است. و وقتی که فلاسفه قادر به وزن سردی و گرمی و صدا هستند بس ذاتی که قادر مطلق است اگر اراده وزن اعمال را داشته باشد هیچ جای تعجب و سوال نیست.

عقل ما ناقص است:

بنابراین، سوال که چگونه اعمال که اعراض هستند قابل وزند فضولی و بی‌فایده به نظر می‌رسد، دیگر این که عقول محدود ما این مسأله را درک نمی‌کند که وزن اعمال به چه صورت و چگونه است؟

چرا که چیزی را که قادر مطلق در آن وقت انجام می‌دهد، ذات خودش بهتر می‌داند که کیفیت و تفصیلات آن چگونه است و نیازی به تحقیق برای تفصیل بیشتر آن نیست؛ چون ما در این دنیای فانی کوچک سرگردانیم و فقط حقیقت یقینی عالم بالا را با این عقول ناقص نمی‌توانیم دریابیم، و فقط ایمان آوردن به همان الفاظ قرآن به هر طریقه‌ای که نازل شده لازم است، چرا که برگزیدن این روش به صلاح ماست^(۱).

نعمت‌های جنت ماوراء عقلمند:

به طور مثال در قرآن مجید آمده که در جنت میوه‌های از قبیل انار، خرما و ... وجود دارد حالا (والله اعلم) که چطور میوه‌هایی هستند. حقیقت این است که بدون شک نام آن‌ها انار، خرما، و ... است، اما میوه‌های جنت از نظر طعم، هیچ شباهتی با میوه‌های دنیایی ندارند؛ چون که در باره نعمت‌های جنت رسول اکرم ﷺ می‌فرمایند:

«لا عين رأأت ولا أذن سمعت ولا خطر على قلب بشر».

نعمت‌هایی که در جنتند، نه چشمی آن‌ها را تاکنون دیده و نه گوشی حقیقت آن‌ها را شنیده و نه چیزی از واقعیات آنجا در قلب کسی خطور کرده است.

لذا دخالت و بحث‌نمودن در این موارد اشتباه است و یا این که بیندیشیم که ترازوی وزن چگونه است؟ اندازه‌اش چه قدر است؟ چگونه اعمال را وزن می‌نمایند؟ چرا که همه این سوالات بی‌موردند و فقط خداوند دانا و عالم است که اعمال چگونه وزن می‌شوند و حتماً هم وزن می‌فرماید.

(۱) - علاوه بر این سوال نمودن زیاد در مورد علوم غیر محققه، انسان را به کبایر و شرک

تصور نمودن وزن اعمال:

در این جا هدف بیان نمودن وزن اعمال است، چنانچه اگر ما فقط همین یک گفته امام بخاری رحمته را که «وان أعمال بني آدم وقولهم يوزن» را بر سر صفحه خویش بنویسیم که اعمال و اقوال بنی آدم وزن می‌شوند، بدون تردید از این دنیا و از تمام کارهای گناه و از ارتکاب جرایم و بدی‌ها اجتناب می‌ورزیم. امروزه که در دنیا اینقدر جرایم رخ می‌دهد علتش این است چون ما در فکر وزن اعمال نیستیم و اعتقاد کامل نسبت به این حقیقت نداریم. لذا امام بخاری رحمته ما را نصیحت فرمودند که در این فکر باشید که این اعمال وزن می‌شوند، به همین خاطر مواظب باشید هر عملی که قبلاً در این کتاب بیان شده یکی یکی وزن کرده می‌شوند.

هر کلامی که از زبان خارج می‌گردد وزن کرده می‌شود:

«وقولهم يوزن» نه تنها فقط اعمال وزن می‌شوند، بلکه هرچه از زبان تلفظ گردد نیز وزن می‌گردد. بنابر همین مناسبت در این باب ذکر این حدیث «كَلِمَاتٍ حَبِيبَاتٍ إِلَى الرَّحْمَنِ خَفِيفَاتٍ عَلَى اللِّسَانِ ثَقِيلَاتٍ فِي الْمِيزَانِ» را آورده اند که این دو کلمه میزان را سنگین می‌کنند. لذا از این طریق مشخص می‌گردد که کلمات نیز وزن می‌شوند، و حدیث دیگری از رسول اکرم صلی الله علیه و آله است که می‌فرماید: گاهی اوقات انسان الفاظی را از زبانش خارج می‌سازد و هیچ گونه پروایی نسبت به کلامش ندارد که چه چیزی گفته است.

بنابراین، به وسیله همان یک کلمه مستوجب جهنم می‌گردد. لیکن گاهی اوقات انسان از زبان خود حرف‌هایی را خارج می‌کند و هیچ پروایی

نسبت به کلامش ندارد که چه چیزی گفته لیکن به خاطر همان یک کلمه خداوند او را مستحق جنت می‌گرداند^(۱).

لذا سعی ورزیم الفاظ خارج شده از زبان را کنترل نماییم، چرا که بسیار اهمیت دارد؛ به همین خاطر بزرگان می‌فرمایند که قبل از صحبت کردن حرف‌هایتان را وزن کنید. در این رابطه سخن معروفی به اردو وجود دارد که می‌گوید: (پهلی بات کو تولو پهر بولو)^۲ هنگام صحبت کردن فکر کنید که آیا این حرف قابل گفتن است یا خیر؟ و این که آن حرف در آخرت وزن می‌شود یا نه؟ و آیا در آن موقع سرانجام و عاقبت من چگونه می‌شود؟

اعمال شمرده نمی‌شوند:

هدف از این جمله اشاره به این است که در روز قیامت اعمال وزن می‌شوند، ولی شمردنی نیستند و کیفیت اعمال معتبرند که چقدر در عملش خلوص داشته، ولی شکل و صورت ظاهری اعمال غیر معتبرند؛ چنانکه خداوند در قرآن مجید می‌فرماید:

﴿لَيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾ [المک: ۲].

«تا آزمایش بکند شما را در این که کدام یک از شما نیکوکارتر است.»

در این آیه مبارکه لفظ «أَكْثَرُ عَمَلًا» را استعمال نفرمود. لذا اشاره‌ای است

به این که هر عملی باشد بنگرید که آیا آن وزن کرده می‌شود یا خیر؟

چگونه در اعمال خاصیت وزن کردن یافت می‌گردد:

(۱) - صحیح بخاری، کتاب الرقاق، باب حفظ اللسان.

۲- ضرب المثل مشهوری به همین مفهوم در زبان فارسی وجود دارد که: صدبار بیندیش یک بار بینداز. مصحح

اکنون این سوال پیدا می‌شود که در اعمال چگونه خاصیت وزن پیدا می‌شود، امام بخاری رحمته الله با زبان حال می‌فرمایند: اگر می‌خواهید روش پیدانمودن وزن اعمال را دریابید، حدیث اول این کتاب مرا بخوانید که: «إنما الأعمال بالنیات» یعنی دار و مدار تمام اعمال بر نیت استوار می‌باشد. خلاصه بحث این که اگر عملی را خالص برای رضای خداوند نیت نمایید، به وسیله این نیت در عمل شما خاصیت وزن پیدا می‌شود و اگر به اختصار بگوییم باید عرض شود که از انجام دو کار خاصیت وزن اعمال پدید می‌آید:

۱- اخلاص.

۲- اتباع سنت.

این هردو شرط برای به وجود آمدن وزن در اعمال ضروری و لازمند، به طوری که با عدم یکی از این دو شرط اعمال قابل وزن نمی‌گردند، اگرچه آن عمل خالی از دو شرط به نظر بزرگ آید.

از ریاکاری وزن کم می‌شود:

اگر شخصی به ظاهر خیلی متواضع و با خشوع و خضوع نمازهای طویلی را ادا نماید و قرائت را طول دهد، اما هدف وی غیر از نشان دادن خود نباشد، نماز این نمازگزار نزد خداوند متعال بی‌ارزش است و قابل وزن نیست. و حتی موجب ارتکاب کبایر می‌گردد، چنانچه حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «مَنْ صَلَّى يَرَأِي لِقْدَ أَشْرَكٍ بِاللَّهِ». «هرکسی که به خاطر ریا و برای نشان دادن به مردم نماز بخواند، به تحقیق برای خدا شریک قابل شده است.»

یا مثلاً هزاران نوع مال خرج می‌کند. لیکن هدفش رضای الله نیست، بلکه می‌خواهد مردم به او لقب «سخی» را بدهند. لذا این عمل به خاطر سوء نیتی که داشته، قابل وزن نمی‌گردد. لیکن اگر فقط یک ریالی را خاص

برای رضای خدا خرج نماید، چون نیتش خوب و نیکو بوده، خداوند عزّ وجلّ برای همین یک ریال بنده‌اش را که طالب رضامندی او بوده دارای وزن عظیمی می‌گرداند.

از اتباع سنت وزن زیاد می‌شود:

مسأله مهمی که وزن اعمال را بیشتر می‌کند، اتباع سنت است. یعنی اگر مطابق روشی که رسول اکرم ﷺ فرموده اند، عمل کنیم اعمال قابل وزن می‌شوند و اگر غیر از آن طریق راه دیگری را انتخاب نمودیم اعمال قابل وزن نمی‌گردند.

چنانچه هر چند اعمال بدعتی که انجام دهد اگر در آن‌ها اخلاص هم باشد و خالص برای رضای خداوند متعال برپا گردد چون آن عمل مطابق گفته‌های گرانقدر رسول اکرم ﷺ نبوده، به آن عمل وزنی تعلق نمی‌گیرد و در باره چنین عملی قرآن مجید می‌فرماید:

﴿فَلَا تُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا﴾ [الکھف: ۱۰۵].

«پس برپا نمی‌داریم برای اینگونه اعمال در روز قیامت هیچ وزنی را».

صحیح بودن طریقه ضروریست:

امروزه اگر چنانچه شخصی از طریق غلطی وارد عملی گردد هرگاه به وی گفته شود که برادر! این عمل شما صحیح نیست، فوری جواب می‌دهد: نیت ما صحیح است و در حدیث وارد است که «إنما الأعمال بالنیات». مردم بی‌علم فقط ظاهر حدیث را می‌بینند و حدیث را بی‌محل استعمال می‌نمایند. ما می‌گوییم که به خاطر بسپارید که تنها نیت کافی نیست. حقیقت این است که هر عملی که مطابق دستورات حضرت رسول اکرم ﷺ

نباشد، بدعت است هر چقدر نیت شما خالص برای رضای رب العالمین هم باشد هیچگونه وزنی برای آن عمل در قیامت صورت نمی‌گیرد.

بالفرض این مثال همان شخصی است که نیت مسافرت به لاهور را می‌کند، اما به قطار یا ماشین مسیر کویته سوار می‌شود. بله نیت او کاملاً صحیح، اما سواری را که اختیار کرده او را به کویته می‌برد. لذا به برکت نیتش، این سواری او را به مقصدش (لاهور) نمی‌رساند. به همین صورت اگر شما نیت دخول به جنت را دارید، اما اشتهاً مسیر جهنم را اختیار می‌کنید. لذا به برکت این نیت هرگز به جنت داخل نمی‌گردید.

تبصره: لذا برای این که اعمال ما قابل وزن گردند به دو شرط اساسی ضرورت دارند: یکی اتباع سنت و دیگری اخلاص‌اند؛ با عدم یکی از این دو، قابلیت وزن عمل از بین می‌رود.

توضیح لفظ قسط:

بعد (در ادامه) امام بخاری رحمته الله علیه می‌فرماید: «وقال مجاهد: القسطاس العدل بالرومية». عادت امام بخاری رحمته الله علیه این است که برای تصدیق و تثبیت تفهیم الفاظ، لفظی مناسب از قرآن را انتخاب نموده و لفظ مورد نظر را توضیح و تشریح می‌دهد، چنانچه مطابق با لفظ قسط، لفظ مناسب در قرآن مجید:

﴿وَرَزَوْنَا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ﴾ [الشعراء: ۱۸۲].

را انتخاب کرده و توضیحش را اینطور بیان نموده‌اند که: القسطاس العدل بالرومية. یعنی: لفظ قسطاس به زبان رومی به معنی عدل است. «ویقال القسط مصدر المقسط» و این هم گفته می‌شود که لفظ قسط مصدر مقسط است.

در اینجا این کلام بسیار تعجب‌انگیز است که لفظ قسط ثلاثی مجرد است و مقسط ثلاثی مزید است. لذا چطور لفظ مقسط مصدر قسط قرار می‌گیرد. امام بخاری رحمته اشاره می‌فرماید که این لفظ از اضداد است، یعنی دارای دو معنی است و هر دو معنا با یکدیگر متضادند که در یک معنا انصاف و در معنای دوم ظلم استعمال می‌گردد. لیکن هنگامی که این لفظ را از باب افعال فرض می‌نماییم در این صورت معنایش انصاف‌کننده است.

لیکن وقتی که در مجرد قَسَطٌ یَقْسُطُ استعمال گردد، در این صورت معنایش ظلم‌کننده می‌شود. لذا این لفظ در میان دو معنی مشترک است. لیکن هنگام استعمال نمودن، اکثر در میان باب‌ها فرق ایجاد می‌گردد و گاهی اوقات برعکس استعمال می‌شود، این که در بابی دیگر از مجرد به معنی انصاف و از باب افعال به معنی ظلم استعمال می‌شود.

واقعة حجاج بن یوسف ثقفی:

حجاج بن یوسف ثقفی^۱ از امرای مشهور در تاریخ اسلامی است، علماء حفاظ و قراء زیادی را شهید ساخت. وی سعید بن جبیر رحمته را که در میان تابعین شخصیت بلندپایه‌ای است احضار نمود و گفت: رأی شما در باره من چیست؟ در این موقع شخصیتی ظالم مانند حجاج از انسانی متواضع همانند جبیر رحمته می‌پرسد که رأی شما در باره من چیست؟ اگر سعید بن جبیر رحمته حقیقت را بگوید چاره‌ای جز تن دادن به سر بریدن ندارد، و بی‌شک حکم

^۱ - قابل یادآوری است که اگر چه حجاج بن یوسف ثقفی یک امیر ظالم بود و برخی از علمای خوبی را به قتل رساند اما در مقابل خوبی‌های هم دارد، از آن جمله: سرزمین‌های زیادی از جمله هند، سرزمین سند و قسمت‌های از افریقا و اندلس زیر سرپرستی و کوشش‌های مستقیم او فتح شده اند، این را از باب عدل و انصاف ذکر کردیم و الا ظلم ایشان معروف است. مصحح.

حجاج قابل اجراست و اگر چنانچه سعید خلاف تصور ذهن خویش چیزی بگوید این عمل پسندیده نیست.

این بود که سعید بن جبیر رضی الله عنه علاوه از حق چیزی دیگر را نپسندید و آن را بر غیر حقیقت ترجیح داد و جواب داد که: أنت القاسط العادل، گرچه معنی (قاسط) ظلم کننده یا انصاف کننده استعمال می گردد، اما ذکر نمودن لفظ (العادل) بعد از لفظ (القاسط) معنایش را تعیین می کند که در اینجا مراد از قاسط (عادل) است، چنانچه مردم بعد از شنیدن حرف وی حیران و متعجب شدند که ایشان در حق حجاج جمله مدح و ستایش و تعریف به کار می برد، اما از آنجایی که حجاج ادیب بسیار ماهری در لغت عرب بود، وقتی دید که مردم این جواب را تعریف می پندارند، گفت: شما نمی دانید که او چه گفت، او گفت (تو ظالم و کافر) هستی، چرا که اگر قاسط مجرد ترجمه گردد، عموماً معنایش ظالم است و با لفظ عادل، به این آیه قرآنی اشاره نموده که:

﴿ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ﴾ [الأنعام: ۱] ^(۱).

الله در این آیه برای کفر و شرک لفظ عادل را آورده است، لذا نتیجه این می شود که این شخص مرا جمعاً ظالم و کافر گفت. در این موقع سعید بن جبیر رضی الله عنه از الفاظ فایده گرفتند. امام بخاری رضی الله عنه در ادامه می فرماید، اما القاسط فهو الجائر. یعنی عموماً از لفظ (قاسط) معنی ظالم گرفته می شود. چنانچه خداوند در قرآن مجید فرموده است که:

﴿وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا﴾ [الجن: ۱۵].

«و اما آنان که ستمگر و بیدادگر هستند هیزم دوزخ هستند».

(۱) - سورة انعام، آیه ۱.

علت آوردن روایت احمد بن اشکاب در پایان:

بعد از آن امام بخاری رحمته در آخر حدیث بیان فرمودند که: حدثنا احمد بن اشکاب قال: حدثنا محمد بن فضیل عن عمارة بن القعقاع عن أبي زرعة عن أبي هريرة رضی الله عنه قال: قال النبي صلی الله علیه و آله: «كَلِمَتَانِ حَبِيبَتَانِ إِلَى الرَّحْمَنِ خَفِيفَتَانِ عَلَى اللِّسَانِ ثَقِيلَتَانِ فِي الْمِيزَانِ سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ». همین حدیث را امام صاحب رحمته دو جای دیگر در صحیح بخاری بیان فرموده‌اند، البته آن جا از اساتید دیگر روایت کرده‌اند:

۱- این حدیث را در (کتاب الدعوات) از سند استاد خود زهیر بن حرب ذکر نموده‌اند.

۲- در (کتاب الإیمان) از سند استاد خود (قتیبه بن سعید) ذکر نموده‌اند.

۳- و در این جا از سند استاد خود احمد بن اشکاب روایت کرده‌اند. شارح کتاب صحیح بخاری (حافظ ابن حجر) رحمته که نسبت به بقیه آشنایی بیشتری با مزاج و طبیعت امام بخاری رحمته دارد می‌فرماید: در حقیقت امام بخاری رحمته این حدیث را آخرین بار از روایت (احمد بن اشکاب) شنیده‌اند. حال آن که قبلاً دو بار همین حدیث را از اساتید دیگر شنیده‌اند.

در پایان، همان روایت را آوردند که در آخرین مرتبه از احمد بن اشکاب شنیده بودند. البته سه راوی بعد یعنی محمد بن فضیل، عمارة بن قعقاع و ابوزرعه، در چند سند این روایت موجود اند، و فقط حدیث از آن‌ها مروی است که در اصطلاح محدثین، این حدیث غریب است.

سه صفت در دو کلمه:

ابوهریره رضی الله عنه می فرماید که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند: این دو کلمه نزد خدای رحمان محبوب هستند اگر چه بر زبان سبکند، اما در میزان عمل خیلی سنگینند و الفاظ آن دو کلمه بدین صورت می باشد: «سبحان الله وبحمده سبحان الله العظيم» که در این حدیث صفات سه گانه این دو کلمه را بیان فرمودند که:

۱- این دو کلمه به نزد خدا محبوبند، به جای «حیبتان إلى الله» «حیبتان

إلى الرحمن» را استعمال نموده، لذا این اشاره به آن است که چون این دو کلمه در نزد خدای رحمان محبوبند، پس هر شخصی که قدر این کلمات را بداند و آن ها را بخواند حتماً آن شخص مورد صفت رحمان که رحمت است قرار می گیرد، یعنی رحمت خداوند شاملش می گردد.

۲- تلفظ این کلمات بر زبان بسیار سبکند، انسان مسلمان هنگام تکرار آنها با هیچ نوع مشقت مواجه نمی شود. به آسانی حفظ می شوند و در مجالس راحت می توان آن ها را یاد کرد.

۳- و فرمود: «ثقیلتان فی المیزان». یعنی در میزان عمل وزن شان خیلی سنگین می شود. وزن میزان عمل را در اینجا نمی توان دید، بلکه با رفتن به آنجا وزنش مشخص و معلوم می گردد.

به همین خاطر نمی توان گفت که در ثقیلتان فی المیزان چه تعارضی وجود دارد و وزن آن کلمات چیست؟ خداوند بهتر می داند کلمات بدین قرارند «سبحان الله وبحمده سبحان الله العظيم».

ذات خداوند و تمام صفات وی بدون عیب هستند، فقط با زبان گفتن که ذات خداوند بی عیب است یک حرفیست معمولی. اما بهتر آن است که بنده

با فکر و فهم و تدبّر این کلمات را بر زبان جاری سازد و از اعماق قلب خود به پاکی خداوند یقین و اطمینان داشته باشد و هدفش از اقرار این اعتقاد این باشد که تمام صفات ذات او تبارک و تعالی نیز بی نقص و عیبند و همچنین هرگونه امر و حکم شریعت او نیز بی عیب هستند.

لذا هرکسی که بر بی عیب بودن او (تعالی) ایمان دارد، لازمهٔ ایمان این است که تمام احکام شریعت را یکی پس از دیگری بی عیب بداند و به آنها ایمان داشته باشد و کاملاً عمل نماید و هر حکم الهی را بی عیب بداند و بر آن قانع و راضی باشد. لذا در کلمات سبحان الله و بحمده، رضاء بالقضاء و همچنین پایبندی و عمل به شریعت و سنت نیز داخل هستند.

معنای سبحان الله العظیم:

این عبارت (سبحان الله العظیم) جمله دوم حدیث است که به این معنی است که تسبیح ذاتی را بیان می‌کنم که صاحب عظمت و بزرگی است. شیخ بنده داکتر عبدالحی صاحب رحمته می‌فرمود: در قسمت اول این جمله که الفاظ سبحان الله و بحمده آمده اشاره دارد به طرف صفت جمال خداوندی؛ چرا که ذات او (تعالی) بی عیب است و جامع تمام محامد است. لذا ذاتی، صلاحیت تعریف را دارد که حقیقتاً در وی جمال وجود داشته باشد. لذا این جمله اشاره دارد به جمال خداوند و جملهٔ دوم بیانگر عظمت و جلال خداوندی است؛ لذا اگرچه در جملهٔ اول بیانگر جمال باری تعالی است جمله دوم بیانگر جلال و عظمت باری تعالی است، هنگامی که تصور جمال الله را بکنید بی شک محبت او در دل پدید می‌آید، چرا که خاصیت جمال در این است که محبوب قرار گیرد و دل به طرف وی میل و رغبت داشته باشد. لذا محبت ریشه می‌زند و جلال نیز مستلزم این است که سرانجام خوف وی در

دل می‌آید و چون هم خوف و هم محبت یکجا جمع شوند، در نتیجه خشیت الهی در دل می‌آید.

خشیت چیست؟

به خاطر داشته باشید که خشیت تنها به معنی ترس و خوفی نیست که از مار و عقرب و شیر و درنده‌ها و دزدان داریم، بلکه خشیت به آن ترس و خوفی می‌گویند که از محبت پیدا می‌شود. لذا چنانچه با الله تعالی محبت کامل داشته باشیم، نخست خشیت او تعالی در دل ما پدید می‌آید، و اما ترس و خوف از پدر و شیخ و استاد به خاطر محبت با آن‌ها در دل ایجاد می‌گردد.

چنانچه بعضی اوقات پدر نه از پسر عصبانی شده و نه او را تنبیه کرده است، اما چرا وقتی که پسر از کنار پدر می‌گذرد، پاهایش می‌لرزد؛ علت این ترس چیست؟

جواب این است: این ترس از محبت به وجود می‌آید، و همین طور در نتیجه محبت با خداوند خشیت او در دل می‌آید. لذا اجتماع محبت و خوف را می‌توان خشیت نامید و تشریح حدیث با این توجی‌هات این است که از گفتن سبحان الله و بحمده محبت الهی در دل بوجود می‌آید و با گفتن سبحان الله العظیم خوف از خدا ایجاد می‌گردد. با وجود این دو شرط خشیت الهی در دل می‌آید و حاصل تمام اعمال و اخلاق این است که در دل خشیت الله جَلَّ پیدا شود.

﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾ [فاطر: ۲۸].

«از میان بندگان خدا، تنها دانشمندان از او می‌ترسند».

امام بخاری رحمته به این علت این حدیث را در آخر ذکر فرمود که خلاصه

تمام علوم خشیه الله است، چنانچه مولانا رومی رحمته می‌فرماید:

خشیت الله را نشان علم دان آیت یخشی الله در قرآن بخوان

از علایم بارز علم، وجود (خشیت) در دل است. اگر در دل خشیت پیدا شود پس بدانیم که علم واقعی حاصل شده و اگر در دل وجود خشیت الهی نیامد، پس عدم علم حقیقی است، بلکه فقط الفاظ و نقوش است. به همین خاطر امام بخاری رحمته الله می‌فرماید: اگر می‌خواهید نتیجه علم را حاصل نمایید، در وجود خویش خشیه الله را بیاورید و خشیه الهی را با به کثرت ورد نمودن این ذکر «سبحان الله وبحمده سبحان الله العظيم» می‌توان حاصل نمود.

خواندن این کلمات در صبح و شام:

در حدیث آمده که هر شخصی هنگام صبح ۱۰۰ مرتبه سبحان الله و بحمده را ورد نماید، خداوند تا شام تمام گناهان وی را معاف می‌کند، گرچه گناهان وی به اندازه سنگریزه‌های بیابان باشند و اگر هنگام شام ۱۰۰ مرتبه این ذکر را ورد کند تا صبح همه گناهان وی معاف می‌شوند. این همه فضایل مخصوص این حدیث است.

خلاصه:

جلسه امروزی ما در دو جمله خلاصه می‌گردد که اگر بر این دو شرط عمل کنیم این مجلس ما مفید ثابت شده است.

۱- حرف اول این که همیشه در فکر باشیم که اعمال وزن می‌شوند و دو شرط اساسی موجب سنگینی اعمال می‌شوند:

(أ) اتباع سنت.

(ب) اخلاص.

امروز این صحبت را با فکر و تدبر همراه خودمان ببریم تا خداوند متعال این دو شرط اساسی را در وجود ما بیاورد، تا که در آخرت اعمال ما قابل وزن گردند.

۲- حرف دوم این که برای این دو جمله، در احادیث فضایل بشمارای بیان شده است. این دو جمله را حرز جان قرار دهیم، و در تمام احوال رفتن، نشستن و ...، این جملات را ورد زبان کنیم.

اگر شخصی این اذکار را به این نیت بخواند که خدا به وسیله آن خشیت خود را در دلش بیاورد، ان شاء الله خداوند متعال هم به وسیله آن ذکر او را به مقصدش می‌رساند و هدفش را تکمیل می‌سازد؛ یعنی خشیت ذات خود را به او هدیه می‌کند.

خداوند به من و شما توفیق کلیه خیرها را عنایت بفرماید (آمین).

وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین

ترجمه این سخنرانی ساعت ۳۰: ۶ روز شنبه تاریخ ۱/ ۲/ ۱۳۸۰ هـ. ش هنگام برگزاری امتحانات ثلث اول طلاب اهل سنت به پایان رسید.

خداوند این خدمت را از مؤلف، مترجم و مصححین گرامی قبول بفرماید، (آمین).